



فهرست مطالب

- بحران کرونا، تناقضات نظام فاسد اسلامی و بی‌اعتمادی مردم ۲
- سخنی کوتاه در مورد هیاهوی پزشکان بدون مرز و علت این همه آشفتگی ۴
- به امید فراز آمدن نوروز مردم ایران به استقبال سال نو رویم ۶
- در اندوه درگذشت رفیق فریبرز رئیس‌دانا ۷
- بیانیه کانون نویسندگان ایران به مناسبت درگذشت فریبرز رئیس‌دانا ۸
- آخرین سخنرانی دکتر فریبرز رئیس‌دانا در دانشگاه امیرکبیر ۱۰
- ایران به کدام سو می‌رود؟ ۱۱
- «سال جهش تولید»، یا سال ادامه دروغ! ۱۲
- در جبهه نبرد طبقاتی ۱۴
- گفتگویی با دکتر «شهلا قادری»، متخصص پوست و فعال اجتماعی در مورد ۲۰
- کرونا، سیاست‌های نئولیبرالی و جهان پس از پیروزی بر کرونا: ۲۲
- چه شد که الکل آزاد شد و امام‌زاده‌ها هم لبی تر کردند؟ ۲۴
- پاسخ به یک پرسش کلیشه‌ای؛ «چرا روز جهانی زنان مهم است؟» ۲۵
- «سعید لیلاز»، استاد «دانشگاه شهید بهشتی» در گفت‌وگو با «نفت‌خبر» در مورد کاهش ۲۶
- تکات مهمی درباره مقابله با کرونا از برلین، از زبان یک کارشناس آلمانی ۲۷
- دعوای آلمان و آمریکا بر سر انحصار واکسن کرونا ۲۹
- نه به سیاست بحران در لباس بیماری «ویروس کرونا»! ۲۹
- بیانیه احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست اروپا، اعضای کنفرانس بین‌المللی ۳۱
- در مذمت عجایب هفتگانه لوس آنجلس ۳۳
- گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش ۳۴
- پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام ۳۵
- اطلاعیه درباره مسدود شدن صفحه فیسبوک حزب کار ایران (توفان) ۳۶

بحران کرونا، تناقضات نظام فاسد اسلامی و بی‌اعتمادی مردم

یکم اینکه نظام سلامت یک حق عمومی است که باید قاعداً دولت را موظف و مکلف سازد به اینکه به مردم خدمات رایگان ارائه دهد. اما این حق در جوامع بورژوازی هیچگاه به رسمیت شناخته نمی‌شود و همواره کوشش بر این است تا دولت سرمایه‌داری دست بخش خصوصی را در نظام سلامت جامعه باز بگذارد. سیاست‌های ریاضتی در طی دهه‌های اخیر و اجرای گام به گام خصوصی‌سازی نظام پزشکی کشور موجب شده است تا امر «سلامت و بهداشت» یک امتیاز محسوب شود؛ یعنی مردم باید در ازای مطالبه خدمات بهداشتی - درمانی هزینه آن را از جیب خود پرداخت کنند. در همین راستا سیاست‌های تعدیل ساختاری، همراه با سیاست ریاضت اجتماعی، به زیرساخت‌های خدمات سلامت در ایران آسیب جدی وارد ساخت. فراموش نکنیم که در این میان تمهیدات اعتباری و پیش‌شروط وام بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نقش مخرب و ویران‌کننده‌ای ایفاء کردند. برچیدن خدمات مراقبت بهداشتی در کنار دیگر خدمات عمومی محصول تفوق نگرش نئولیبرالیسم در عرصه اقتصاد و سیاست است.

بحران کرونا، اگرچه هر روز بسیاری از انسان‌ها را به کام مرگ می‌کشانند، اما در عین حال ضربه مهلکی به اقتصاد جهانی وارد آورده و پرده از روی حقایق برداشته است که روزانه عمق فاجعه را به نمایش می‌گذارد. در هر کجا که نظام پزشکی به بخش خصوصی واگذار شده، ناتوانی آن بر همه کس معلوم گشته است. این تنها مشمول نظام‌های پیشرفته سرمایه‌داری نمی‌شود؛ نظام اسلامی ایران در دوره هاشمی رفسنجانی از سال ۱۳۶۸ شروع کرد به خصوصی‌سازی نظام درمان کشور، به نحوی که امروز می‌توان به جرأت گفت که بخش درمان اگر رشدی هم داشته است، اساساً در بخش خصوصی شکل گرفته است. بخش دولتی پس‌رفته و نتیجه اینکه بخش سلامت دولتی ما بسیار ضعیف و ناتوان شده است به طوری که به نظر میرسد قادر به مهار بحران کرونا نباشد. نظام بهداشت و سلامت کشور امروز با کسری مزمن بودجه روبرو است؛ سرانه پزشک و تخت بیمارستانی بسیار پایین است. رژیم ایران به جای اینکه بودجه کافی متناسب با کمبودها را تخصیص دهد، از همان روز نخست به بخش خصوصی روی آورد و وظائف خود را تحت عنوان «برون‌سپاری» به بخش خصوصی واگذارد. نظام پزشکی کشور در تمام این سال‌ها از ورود جوانان به عرصه پزشکی ممانعت به عمل آورد؛ به این معنا که بازار پزشکی رفته رفته انحصاری گشت. نتیجه چنین سیاست‌هایی امروز

خودش را در بحران کرونا نشان می‌دهد؛ در اوضاع کنونی ظرفیت بیمارستان‌های دولتی کفاف رسیدگی به درمان بیماران را نمی‌دهد، کادر پزشکی، علی‌رغم اینکه از جان مایه می‌گذارد، ولی روز بروز از توانش کاسته می‌شود، این در حالی است که بیمارستان‌های خصوصی با تمام امکاناتی که دارند یا بیماران را نمی‌پذیرند و یا به دلیل هزینه سنگین درمان، تنها بخش کوچکی از جامعه می‌تواند به آنها مراجعه کند. اگرچه ویروس کرونا بین فقیر و ثروتمند فرق نمی‌گذارد، ولی این نظام سلامت ایران است که طبقاتی عمل می‌کند، یکی را در راهروهای بیمارستان دولتی رها می‌سازد، دیگری را در اتاق‌های مجهز مورد مداوا قرار می‌دهد. این را مردم زحمتکش ما هر روز به عین می‌بینند و به حق به آن معترض‌اند. اگر قرار است از بروز فاجعه انسانی جلوگیری شود، در برابر دولت روحانی راهی نیست جز دولتی کردن بخش خصوصی سلامت کشور، تا بتواند از امکانات درمانی بخش خصوصی در مهار این بحران استفاده نماید، آنگونه که دولت اسپانیا در هفته گذشته بیمارستان‌ها و کلینیک‌های خصوصی این کشور را دولتی اعلام کرد. این نشان می‌دهد که بخش خصوصی قادر به کنترل این بحران فراگیر نیست و جامعه به یک دولت مقتدر و کارآمد نیازمند است. تجربه نشان داده است که در جمهوری اسلامی به دلیل تعدد مراکز قدرت، دولت از اقتدار لازم برخوردار نیست. «دکتر خاکپور» بر آن است که «مهار چنین بحرانی نیاز به اتوریته یا نفوذ اجتماعی بالا دارد که دولت از آن محروم است» و این حرف درستی است.

نظام سیاسی - اقتصادی ایران همیشه نشان داده است که نتوانسته است بر بحران‌ها توفیق یابد، بلکه برعکس به دلیل ساختار ناهمگون خود در بوجود آوردن بحران‌ها و یا تشدید آنها سهم بسزائی داشته است. از اینرو به جای اینکه بحران کرونا و پیامدهای آن آسیب‌شناسی شود، باید به جد مدیریت کشور مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد. عدم ناهماهنگی در میان سطوح مختلف نهادهای انتخابی و انتصابی دولت در طی یکماه گذشته باعث شد، تا هر کس به هر بهانه‌ای در هر مقامی که هست درباره بحران ویروس کرونا اظهار نظر کند، گاه این مقام حرفی می‌زند، مقام دیگری گفته او را نفی و نقض می‌کند.

آنچه برای صاحبان سرمایه اهمیت دارد، تأمین سود سرمایه است. تبعات خصوصی‌سازی نظام سلامت کشور نشان می‌دهد که چگونه مالکیت خصوصی مقدس جلوه پیدا می‌کند و بخش بزرگی از امکانات بیمارستانی، که در چنگ حوزه خصوصی است، حاضر به مشارکت در امر مبارزه با این بحران نیست. یکی از دلایل بالا بودن تعداد فوتی‌ها در قم مسدود ماندن بیمارستان‌های بخش خصوصی است. مردم رنج‌دیده ما خوب می‌دانند که سلامت عمومی دغدغه بخش خصوصی نیست.

دوم اینکه دولت از یک طرف پروازهای بین ایران و چین را ممنوع اعلام می‌کند، از طرف دیگر مدیر عامل هواپیمائی

گذشته نه تنها بخش دولتی حوزه سلامت را تقویت نکرد، بلکه توان و امکانات آن را تا حدود زیادی کاهش داد. امروز، که دولت درگیر چنین بحرانی شده است، به جای آنکه از امکانات بخش خصوصی استفاده کند، به ارتش و سپاه روی می آورد از آنها درخواست می کند، تا در امر استقرار بیمارستان های صحرائی به دولت کمک برسانند.

تنها انگیزه بخش خصوصی کسب «سود» است. این محرک اقتصادی نه مسئولیت اجتماعی به دنبال می آورد و نه تعهد و پاسخ گوئی نسبت به دولت و نهادهای سیاسی - اجتماعی. منطق سودآوری بخش خصوصی در قالب «تصدی گرائی» و یا به عبارتی «پیمانکاری» در حوزه سلامت مبتنی است بر کاهش هزینه ها و کسب بالاترین سود سرمایه. وقتی بخش خصوصی نرخ دستمزدها را پایین می آورد، طبیعی است که قیمت خدمات را باید افزایش دهد و اینکار الزاماً بهبود کیفیت به دنبال نمی آورد. و بدتر از همه اینکه از زیر نظارت دولت و نهاد حاکمیت خارج می شود و راه برای دلالی و رانت خواری باز می گردد.

جمهوری اسلامی حافظ منافع بورژوازی اسلام پناه ایران است؛ هدف اش تقویت و تأمین منافع صاحبان سرمایه است. هیأت حاکمه اگر مقتدر است، اقتدارش را به جای آنکه در مدیریت بحران به کار اندازد، آنرا با سرکوب مردم به نمایش می گذارد. مردم ایران بار دیگر در بحرانی گرفتار آمده اند که به نظر می رسد تنها با اتکاء به نیروی خود قادر باشند از آن سربلند و پیروز بیرون بیایند. در این شرایط دشوار منع رفع تحریمات عرصه را بر مردم تنگ تر کرده است. در چنین شرایطی که مردم جهان به همبستگی بین المللی نیازمندند، در چنین زمانی که کشورها و شخصیت های مترقی جهان از دولت آمریکا می خواهند که در رفع تحریمات عمل نمایند، دولت ترامپ تحریمات بیشتری را علیه ایران وضع کرده است. امپریالیسم آمریکا یکبار دیگر نشان داد که او نه دوست مردم ایران که دشمن آنان است. در این جنایت و کشتار مردم اپوزیسیون خودفروخته ایران نیز، که بر طبل تشدید تحریمات می کوبد، شریک است و باید به افشای بی امان آن دست زد.

ماهان عکسی منتشر می کند که در کنار سفیر چین در تهران ایستاده و خبر می دهد که هواپیمائی ماهان «به تداوم همکاری با چین» تمایل دارد. بعد معلوم می شود که این ممنوعیت شامل ماهان نشده است. یا اینکه دولت برای جلوگیری از اجتماعات ابلاغ می کند که مدارس، دانشگاه ها و بسیاری از مکان ها باید بسته شوند، روحانیت مبارز دستور می دهد که امامزادگان، مساجد، نماز جمعه و غیره... باید به کار خود ادامه دهند. دولت درب امکان مذهبی را می بندد، جناحی از قدرت معترضین را بسیج می کند تا در پشت درب مصلی تجمع کنند و همانجا نماز بخوانند. سید احمد علم الهدی، امام جمعه مشهد، سر خود اظهار می دارد که تعطیلی نماز جمعه «توجهی» ندارد و «در هیچ شرایطی، نماز جمعه نباید تعطیل شود». با این وضع چگونه می شود بحران کرونا را مهار کرد؟ گاه سرعت شیوع اطلاعات نادرست از سوی مقامات رژیم با سرعت شیوع ویروس کرونا برابری می کند و این ناروشنی ها و تناقض گوئی ها در مردم یک نوع حس بدبینی بوجود آورده است؛ دولت را بی اعتبار ساخته و باعث سلب اعتماد آنها شده است؛ نتیجه اینکه مردم کوچه و خیابان به هر آنچه رژیم می گوید، با دیده شک و تردید می نگرند. طبیعی است که در چنین اوضاع و احوالی مردم خود در امر مبارزه با بحران وارد میدان می شوند و با کمک های بی دریغ خود به همدیگر یاری می رسانند. بحران کرونا، یکبار دیگر نه تنها بی دریغی نظام را به نمایش گذاشت، بلکه همانند سال های گذشته ثابت کرد که توده ها به خودشان متکی هستند، با همبستگی و همیاری خود می توانند بر مشکلات، معضلات، کمبودها و فشارهای ناشی از تحریمات غلبه کنند.

سوم اینکه مسئولیت این وضعیت ناگوار کنونی متوجه هیأت حاکمه جمهوری اسلامی است که با تبیین سیاست طرح خصوصی سازی حوزه سلامت، این ماشین تخریب را براه انداخت و تا به امروز اجرای چنین سیاست ویران کننده ای را برای سلامت جامعه لازم و ضروری می داند. «حسن هاشمی»، وزیر بهداشت و درمان وقت در سال ۱۳۹۴ در ارتباط با ضرورت خصوصی سازی حوزه سلامت کشور اظهار داشت که: «راهی جز خصوصی سازی در بخش سلامت نداریم». چرا؟ چون «سهم سلامت از بودجه های عمرانی برای ساخت بیمارستان ها کمتر از ۳،۵ درصد بوده و سالهاست که سرمایه گذاری مناسبی برای ساخت بیمارستان در کشور انجام نشده و به همین علت اکثر بیمارستان های کشور فرسوده هستند. از نظر وزارت بهداشت، لازم نیست دولت بیمارستان بسازد و دومین دستگاه دولتی پرجمعیت کشور باشد، ... به یک جراحی بزرگ برای رفع مشکلات نظام سلامت نیاز داریم، باید این تصمیم را بگیریم که دولت تصدی گری را در این حوزه به بخش خصوصی واگذار کند و مشابه بخش های دیگر از بخش خصوصی خرید خدمت کند، تنها در این صورت است که نظام سلامت کارآمد می شود». امروز که ۵ سال از آن زمان می گذرد، باید روشن شده باشد که دولت در طی سه دهه

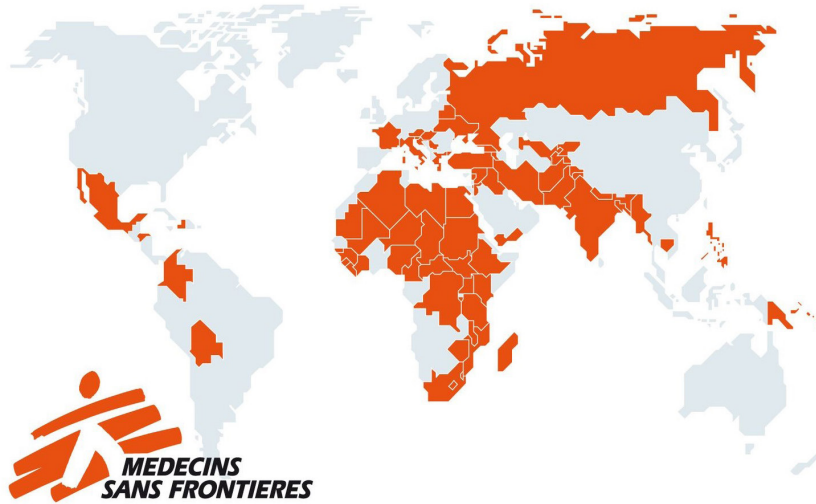
شورای عالی امنیت ملی، هنوز متوجه تعریف واقعی «دستگاه‌های ذی‌ربط» در جمهوری اسلامی ایران نشده است».

علت این همه آشفتگی و این همه تصمیمات متناقض چیست؟

یکم اینکه هر دولتی قبل از تقاضای دریافت کمک‌های انسانی و یا همکاری با هر سازمان و نهاد مدعی خدمت به بشریت، باید تحلیل و شناخت صحیحی از ماهیت و کارکرد آنها داشته باشد و دورنما و سیاست خود را در قبال چنین سازمان‌هایی روشن سازد. در اینجا به طور مشخص روی سخن ما با «سازمان پزشکان بدون مرز» است. این سازمان نیز همچون صدها سازمان «بدون مرز و غیردولتی»، که در پوشش انسان‌دوستی در سراسر دنیا وجود دارد، در کادر نفوذ ممالک امپریالیستی اروپایی به فعالیت‌های امدادی و پزشکی و انسانی مشغول است و ده‌ها هزار عضو و فعال پوششی اجتماعی دارد. «پزشکان بدون مرز» تحت عنوان یک سازمان «غیردولتی بین‌المللی» در اوایل دهه ۷۰ میلادی تأسیس شد و مقر آن در فرانسه است. سویا کمک‌های دولتی آشکار و پنهانی که به آن می‌شود، بخشی از منابع مالی این نهاد از طریق کمک‌های مردمی، شرکت‌های خصوصی و اعانه عمومی تأمین می‌گردد. ما باید هشیار باشیم که این سازمان در زمان دخالت امپریالیست‌ها در امور داخلی سوریه در مناطق تحت اشغال داعش، در قالب «حمایت» از مردم سوریه به درمان تروریست‌های داعش می‌پرداخت. ناگفته روشن است که همانگونه که تجربه همه جوامع نشان داده است، همه این سازمان‌های «غیردولتی و بشردوستانه»ی ممالک امپریالیستی عامل نفوذ ایدئولوژیک و اعمال نفوذ سیاسی بوده و خواهند بود. در این زمینه می‌توان از «سازمان گزارش‌گران بدون مرز» نیز سخن راند که ظاهراً برای نفی سانسور و حمایت از آزادی بیان عقیده فعالیت می‌کنند و در باطن برای حفظ سلطه استبداد سرمایه‌داری امپریالیستی. ولی همین «سازمان پزشکان بدون مرز» پیش‌تر در جریان زلزله بم و بسیاری دیگر از بلایای طبیعی در ایران از جمله سیل‌های لرستان، گلستان و خوزستان امدادرسانی کرده بودند و این تناقض در موضع‌گیری‌های حکومت برای مردم ایران قابل فهم نیست.

دوم اینکه هر کشوری تحت شرایط بحران جنگی، تحریم‌های اقتصادی و یا بلایای طبیعی می‌تواند هوشیارانه برای کاهش درد و آلام مردم، به نفع منافع ملت و شکستن تحریم و جلب افکار عمومی از این نهادهای بین‌المللی مشکوک و ناسالم نیز هوشیارانه سود جوید. حضور جاسوس در میان چنین سازمان‌هایی ابداً منتفی نیست، لیکن می‌توان با مدیریت صحیح، با اعتماد به نفس و طرح و برنامه منضبط نهایت بهره‌برداری را به نفع مردم نمود. پرهیز از استفاده از این نهادهای بین‌المللی ناشی از ترس و بی‌تدبیری سیاسی است. اگر «سازمان پزشکان بدون مرز» در سوریه برای دولت فرانسه جاسوسی کرده است، که چنین نیز بوده است، اما نمی‌توان با استناد به این مورد نابخرانه و ناشیانه با مهر جاسوسی بر این سازمان هرگونه رابطه و همکاری با آن را پایان داد.

به نظر ما نباید به این نکته تکیه کرد که ارزش مادی امدادهای «پزشکان بدون مرز» ناچیز است، و یا حتی دغدغه‌های موجود،



سخنی کوتاه در مورد هیاهوی پزشکان بدون مرز و علت این همه آشفتگی

طبق خبر اخیر در «کانال سهام نیوز»، «به دنبال منتفی اعلام شدن حضور تیم پزشکان بدون مرز برای کمک به مقابله با کرونا در ایران، چهارشنبه ششم فروردین «سعید نمکی»، وزیر بهداشت جمهوری اسلامی اعلام نمود: «از دو سه هفته قبل مکاتباتی برای [ورود] آنها از سوی وزارت کشور و امور خارجه شده بود و همکاران ما در حوزه بین‌الملل نیز حضور آنها را به عنوان کمک تأیید کرده بودند». این در حالی است که دیروز «ایسنا» خبر داده بود که حضور پزشکان بدون مرز «توسط وزارت بهداشت و وزارت کشور با هماهنگی کامل وزارت اطلاعات صورت گرفته». به گزارش ایسنا سازمان مذکور ۲۶ تن کمک به ارزش بیش از ۹۵۰ هزار یورو را به ایران آورده که شامل «تجهیزات کامل بیمارستانی برای ۴۸ تخت شامل تجهیزات یک اتاق آی سی یو، و یک ژنراتور برق» می‌شود (آقای نمکی امروز گفته اگر «زمانی ضرورتی بود» از این تجهیزات استفاده خواهد شد). ولی ساعاتی بعد، خبر ورود سازمان پزشکان بدون مرز «با هماهنگی وزارت اطلاعات» از ورودی «ایسنا» حذف شد. آن هم در شرایطی که چهره‌ها و رسانه‌های نزدیک به سپاه تبلیغات پُرحجمی را علیه این سازمان به جریان انداخته بودند که عمدتاً بر مشکوک‌دانستن پزشکان بدون مرز از نظر امنیتی تمرکز داشت. «علی ربیعی»، سخنگوی دولت روحانی، در توضیح فقره اخیر اعلام کرد: «سفر پزشکان بدون مرز به ایران در هماهنگی کامل با دستگاه‌های ذی‌ربط صورت گرفته است». اعلامی که نشان می‌دهد چه بسا حتی سخنگوی دولت، بعد از چهار دهه حضور در مناسب حکومتی و داشتن سابقه حضور در سِمَت‌هایی همچون معاونت وزارت اطلاعات و مسئولیت دبیرخانه

دردی را درمان کند، باید از آن استقبال کرد و همه مسائل سیاسی و روابط بین‌المللی را مورد نظر قرار داد و هدفمند و شفاف اقدام نمود. آنچه باید رُخ دهد، اتخاذ تصمیم شفاف از سوی یک دولت واحد است و نه چند دولت در یک کشور. اتفاق کنونی در رابطه با سازمان پزشکان بدون مرز و برداشت واضحی که از مجموعه این نشانه‌ها می‌توان داشت، این است که یکبار دیگر، علت اصلی این آشفتگی تصمیم‌گیری و هرج و مرج سیاسی عملاً رویارویی دولت‌های آشکار و پنهان (موازی) در نظام جمهوری اسلامی است و این گونه برخورد‌های ناصواب و انحصارگرانه یک سابقه طولانی در ایران دارد. در شرایطی که ملت به همبستگی و وحدت ملی و یکدلی برای مقابله با بیماری همه‌گیر و ویروس کوید-۱۹ نیاز دارد، جناحی از رژیم، همان «دولت موازی» که قدرت اصلی در سپهر سیاسی جامعه ایران است، تحت عنوان «مبارزه با جاسوسان و عوامل خارجی و هیاهوی همیشگی در مقابل دولت رسمی که باید در شرایط کنونی افکار عمومی جهانیان را برای کاهش تحریم و یا لغو آن بسیج کند، می‌ایستد و نگران آن است که مبادا در این بستر موفقیتی برای جناح مقابل حاصل آید و این امر در انتخابات آینده ریاست جمهوری برای پیروزی آنها موثر افتد! این سیاست خائنانه و دشمن‌شادکن یک سابقه طولانی و تاریخی دارد که جان ملت و موفقیت ملت هیچ ارزشی برایشان نداشته است و آنچه مهم است حفظ قدرت سیاسی و منافع یک قشر فاسد و انگل است که به قانون کشور وقعی نمی‌گذارد، پیرو بی‌چون و چرای ولی فقیه است و از بالای سر دولت و مجلس تصمیم می‌گیرد و به کسی هم حساب پس نمی‌دهد. این خائنان همان کسانی هستند که حاضر بودند حتی نیمی از ایران در اشغال ارتش عراق درآید، اما جنگ تحت رهبری رئیس‌جمهور وقت، دکتر بنی‌صدر به پیروزی نرسد. اگر مخالفین حضور پزشکان بدون مرز حقیقتاً دغدغه‌شان ممانعت از جاسوسان و خدشه‌دار کردن استقلال ایران و جنگ بیولوژیک و آسیب‌رساندن به منافع ملی مردم ایران است، پس چرا رهبر و جناح موسوم به اصول‌گرا و صاحب قدرت «قرارداد برجام» و «پروتکل خائنانه الحاقی» را پذیرفتند و اجازه دادند تا بازرسان سازمان انرژی اتمی هر وقت اراده کردند سرزده و بدون اطلاع قبلی پایگاه‌های انرژی اتمی را بازرسی کنند؟ حال این سیاست ضدملی و خائنانه را که به جاسوسان اجازه بازرسی آنهم در چهارچوب قرارداد «پروتکل الحاقی» را می‌دهند، با سازمان پزشکان بدون مرز که تعدادشان ۹ نفر است و کنترل آن بسیار آسان‌تر است، مقایسه کنید، تا پی به ادعای پوچ و این همه جنجال سیاسی، که فقط آب به آسیاب امپریالیسم و اپوزیسیون خودفروخته می‌ریزد، بربید. متأسفانه در چنین شرایط بحرانی که ایران به سیاست واحد و روشنی برای مقابله با بیماری و ویروس کوید-۱۹ و تحریم اقتصادی امپریالیستی نیاز دارد، مثل همیشه دچار بی‌تدبیری و سردرگمی و چنددستگی و بلا تکلیفی است. وزارت امور خارجه برای گروهی امدادگر ویزا صادر می‌کند، این گروه وارد کشور می‌شود، سپس توسط دولت موازی از کشور اخراج می‌شود! اینهم شکلی از مبارزه با «امپریالیسم و جاسوسان‌اش» است که اگر کشورهای مثل کره و کوبا... اینچنین احمقانه با مسائل سیاسی برخورد می‌کردند، حتی یک دهه هم دوام نمی‌آوردند!

که گویا این پزشکان می‌توانند داروهای مشکوک فرانسوی خود را که سابقه خوبی از آنها در ایران موجود نیست، به روی ایرانیان آزمایش کنند، اساساً منتفی دانست، ولی می‌شود به راحتی اگر حُسن نیتی در کار باشد، بر این امر نظارت کرد و این داروها را توقیف نمود و به رفع خطر اقدام کرد. آنچه در این اقدام مهم است و باید از نظر تبلیغاتی و به‌ویژه سیاسی مورد استفاده مقامات مسئول در ایران قرار می‌گرفت، دامن‌زدن به یک کارزار افشاگرانه ضدتحریم بر ضد روش جنایت‌کارانه آمریکا بود که این فرصت مسافرت پزشکان فرانسوی به ما داده بود. این امر چنانچه با سیاست به آن برخورد می‌شد می‌توانست قدرت این کارزار را تقویت کند و در اروپا و در سراسر جهان به فضائی افشاءگرانه علیه امپریالیسم آمریکا و حتی ایرانیان جاسوس هوادار تحریم منجر گردد. رژیم ایران این امکان تبلیغاتی را از دست داد و آنرا به عکس خود بدل کرد و ابتکار مبارزه تبلیغاتی افشاگرانه را از دست مردم ایران بر ضد امپریالیسم آمریکا درآورد. مسئولان دولت موازی نفهمیدند و یا نه‌خواستند به‌فهمند که چگونه باید از تضاد میان اروپا و آمریکا در این دوران تشدید تضاد آنها دقیقاً به‌علاوه بروز همین بیماری کرونا استفاده کنند و افکار عمومی مردم جهان را برای همدردی با مردم ایران جلب نمایند. حضور جاسوس در سفارتخانه‌های ایران، در میان مسافران و یا کارمندان و متخصصان خارجی هرگز منتفی نیست و نمی‌توان به صرف این موضوع در ب سفارتخانه‌ها را مُهر و موم کرد. چنین روشی در مبارزه با جاسوسان بی‌ثمر است، شکلی از پارانوای سیاسی و دورافتادگی از توده مردم است. با اتکاء به مردم، پاشاندن بذر آگاهی و دانش در جامعه و سلامت رهبری سیاسی می‌توان بر جاسوسان غلبه کرد. اما وقتی رژیم از مردم‌اش مثل جن از بسم‌الله می‌ترسد، فاقد توان مقابله با جاسوسان خارجی است و در نتیجه جز پریشانی و هرج و مرج و آشفتگی از او بر نمی‌خیزد. این روش رژیم ایران که مردم را در مورد ماهیت این سازمان‌ها در پرده می‌گیرد و استراتژی روشنی برای مقابله با تهاجم پنهانی امپریالیسم ندارد، مشکلی است که بی‌کفایتی عمال مکتبی این رژیم نمی‌تواند به آن پاسخ دهد. مگر جاسوسان امپریالیسم به همین سازمان‌های علنی و شناخته‌شده محدود می‌شوند؟ سیل جاسوسان است که امپریالیست‌ها به ایران سرازیر کرده‌اند و معلوم نیست چه تعدادی از آنها در رأس امور نشسته‌اند و مترصدند میلیاردها دلار از ایران دزدی نمایند و به کشورهای مادر بروند. مبارزه با جاسوسان تنها با تکیه بر مردم و کسب اعتماد عمومی ممکن است و نه صرفاً اقدامات اداری. در فضای مجازی جاسوسان امپریالیسم و صهیونیسم با دروغ و دغل روی دست دروغ و دغل جمهوری اسلامی بلند شده‌اند و نشان داده‌اند که در عرصه دروغ، این رژیم جمهوری اسلامی است که بازنده است. راه پیروزی در دروغ‌گوئی و اتهام‌زنی نیست، در بیان حقیقت، کسب اعتماد مردم، احترام به حقوق مردم و تکیه به نیروی خلق است. چشم و گوش مردم از منافع کشور ما محافظت خواهد کرد.

سوم اینکه برای همکاری و یاری گرفتن از خارج باید سنجیده و با برنامه عمل کرد. اگر حضور سازمان پزشکان بدون مرز و هر نهاد بین‌المللی در ایران می‌تواند برای مردم مفید واقع شود و



پیام نوروزی حزب کار ایران (توفان)

به امید فراز آمدن نوروز مردم ایران به استقبال سال نورویم

ارغوان

این چه رازی ست که هر بار بهار
با عزای دل ما می آید؟

نوروز، این جشن ملی چند هزارساله باستانی، که همراه با آغازیدن بهار است، بار دیگر، اما در فضای ملت‌هپ و بحرانی ایران و جهان فرا می‌رسد.

نوروز در شرایطی فرا می‌رسد که علاوه بر وخیم‌تر شدن وضعیت معیشتی مردم و ادامه سیاست‌های نتولیرالی و سرکوب خونین فرودستان جامعه، سیل و ویرانی در منطقه سیستان و بلوچستان و زلزله «خوی» و از طرفی گسترش شیوع فاجعه «ویروس کرونا» و ترس و وحشت در سراسر ایران زندگی را به کام مردم تلخ کرده است. «ویروس کرونا» در زمانی گسترش می‌یابد که بی‌کفایتی و سُستی مسئولان مکتبی با الهام از مصلحت‌جوئی سلطه‌گرانه مافیای حاکم، هر روز بیشتر در شرایط بحرانی آشکار می‌شود و این بی‌مسئولیتی، بی‌کفایتی، بی‌تفاوتی و بی‌خیالی نسبت به سرنوشت مردم ایران، میدان را برای ایرانیان دون‌مایه و جاسوس، که در خدمت امپریالیسم و صهیونیسم جهانی افسارگسیخته فعالیت می‌کنند، فراهم آورده است، تا مردم را با جعل اخبار و اسناد در فضای مجازی به آشوب، تشنج و ناآرامی فرابه‌خوانند، تا شاید بتوانند در خدمت اربابان‌شان از آب گل‌آلود برای اسارت و تجزیه ایران ماهی بگیرند. در حالی که در سراسر جهان مردم در همبستگی با یکدیگر با حفظ روحیه بالا و مبارزه‌جویانه در پی پیکاری مشترک بر ضد این بیماری نامرئی هستند، ایرانیان

ضدایرانی و جاسوس در پی ایجاد نفاق و تفرقه و شیوع یأس در میان مردم کوشا هستند، زیرا نه آنها و نه اربابان‌شان تعلق خاطری به مردم شرافتمند ایران نداشته و ندارند. مردم ایران، مردم انقلاب بهمن هستند و از روحیه همبستگی و رفتار انسانی در این انقلاب سرشارند. این مردم یکپارچه در مقابل دسیسه دشمنان تروریست و ضدایرانی و خرابکار یک تنه خواهند ایستاد و پوز قدرت‌های مداخله‌گر خارجی را در دخالت در امور داخلی ایران، در وحدت و همبستگی با یکدیگر به خاک خواهند مالید و همه این دسایس خبیث را نقش بر آب خواهند کرد. ایرانیان خودفروخته و مزدور یکنته هوادار تحریم اقتصادی، مالی، غذایی و داروئی ایران هستند، از تجاوز و تروریسم امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل در منطقه دفاع می‌کنند. بی‌شک سفره نوروز امسال مردم میهن ما نیز از برکت وجود رژیم منحوس و چپاول‌گر سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، که تار و پودش را فساد و دزدی و اختلاس و رانت‌خواری و چپاول دست‌رنج زحمتکشان، قانون‌ستیزی، بی‌احترامی به حقوق مردم فرا گرفته است، خالی‌تر از گذشته است و نوروزشان همانند هر روزشان شده است. امروز مانند دهه‌های گذشته از سفره مردم ایران برمی‌دارند و به سفره آقازاده‌ها می‌افزایند. کوه ثروت‌های بادآورده و افسانه‌ای این مافیا از قله کوه دماوند قابل رویت است. این رژیم هیچگاه به مردم ایران در هیچ زمینه‌ای پاسخ‌گو نبوده است، زیرا مردم ایران را خودی نمی‌داند. مردم ایران در آستانه عید نوروز امسال نیز یا در غم از دست‌دادن عزیزان‌شان سوگواری، یا در اثر ویران‌گری اقتصادی در فلاکت و بی‌خبری و انتظار به‌سرمی‌برند، نه از بهبود شرایط اقتصادی خبری هست و نه از آزادی و ترقی و تعالی نشانی. سالی که گذشت را باید، سال ادامه سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، افزایش گرانی سوخت و سایر کالاهای ضروری و حقوق‌های نجومی و تشدید بحران اقتصادی و در عین حال طغیان زحمتکشان و ادامه اعتراضات کارگری نامید. فرودستان جامعه در آبان‌ماه ۱۳۹۸ در ده‌ها شهر ایران به



اطلاعیه

در اندوه درگذشت رفیق فریبرز رئیس دانا

با کمال تأسف با خبر شدیم رفیق دکتر فریبرز رئیس دانا، عضو قدیمی کانون نویسندگان ایران و یکی از اقتصاددانان برجسته، پُرشور و جسور چپ مقیم ایران در بیمارستان تهران پارس درگذشت.

قلبی از تپش افتاد که مالا مال عشق به کارگران و زحمتکشان و همه رنج‌دیدگان بود و در شب قیرگون استبدادزده ایران هراسی به دل راه نمی‌داد و سخانش چون خورشیدی گرمابخش رهروان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بود.

حزب ما که سال‌ها در تماس با دکتر فریبرز رئیس دانا بود، همکاری‌های صمیمانه و رفیقانه این شخصیت دانا و شجاع را در مبارزه علیه ارتجاع داخلی، دشمنان رنگارنگ خارجی و حمایت از کارگران و فرودستان جامعه از یاد نخواهد برد و یادش را همواره گرامی می‌دارد.

حزب ما این ضایعه بزرگ را به خانواده و نزدیکانش، به کارگران و زحمتکشان، به جامعه روشنفکری و به همه آزادی‌خواهان ایران صمیمانه تسلیت می‌گوید.

یادش جاودان باد!

حزب کار ایران (توفان)
۲۶ اسفند ۱۳۹۸

صورت سراسری به خیابان‌ها ریختند و بیش از ۱۰۰۰ کشته دادند و خواهان تغییرات اساسی در جامعه شدند و بهبود شرایط زندگی خویش را مطالبه کردند. جواب این مردم جان به لب رسیده با گلوله از زمین و هوا بوده است. انتخابات فرمایشی دوره یازدهم مجلس در چنین فضای ملتهب و نارضایتی عمومی برگزار شد که با تحریم اکثریت توده مردم روبرو گردید. این اقدام آگاهانه مردم مبین این امر است که پایه‌های اعتماد ضعیف ملت به این رژیم ددمنش مدت‌هاست فروریخته و امروز این واقعیت نهفته به صورت مسالمت‌آمیز و یا قهری در هر لحظه و در هر گوشه، در آتیه با تداوم بیشتر بروز خواهد کرد. شکست سنگین رژیم در انتخابات نمایشی دوره یازدهم مجلس نمایشی کوبنده در عدم مشروعیت نظام ریاکار و فاسد جمهوری اسلامی است.

سالی که گذشت، سالی علاوه بر تشدید تحریم‌های جنایت‌کارانه اقتصادی و گرسنگی‌دادن به مردم ایران، سال جنگ‌افروزی بی‌پایان امپریالیسم آمریکا در منطقه بود، که با ترور قاسم سلیمانی، مقام رسمی و دیپلماتیک و عالی‌رتبه نظامی ایران نیز همراه بود، موجب افزایش تنش و تشدید تشنج در منطقه به نفع اهداف راهبردی امپریالیسم آمریکا گردید. این اقدام تروریستی توسط آمریکا، که نقض آشکار قوانین بین‌المللی بود، اما بی‌پاسخ نماند و موجب اعتراض عظیم جنبش جهانی ضدجنگ و ضدتحریم در بیش از پانصد شهر آمریکا و هندوستان و اروپا و در سراسر جهان شد و به بی‌آبرویی آمریکا و نوکران جنگ‌طلب ایرانی آن منجر گردید. همان‌طور که بارها تأکید کرده‌ایم، تهدیدات امپریالیست‌ها به طور عینی در خدمت ادامه تسلط استبداد در ایران قرار دارد و رژیم ولایت فقیه را تقویت می‌کند. دفع خطر خارجی و رفع تحریم‌های غیرقانونی به نفع جنبش مطالباتی کارگران و زحمتکشان است، شرایط را برای پیشروی مبارزه طبقاتی فراهم می‌کند.

در شرایطی به استقبال نوروژ می‌رویم که مردم میهن ما به درستی هیچ امید به بهبودی وضعیت خود در چارچوب سیاست‌های نئولیبرالی و باندهای دزد و فاسد مافیائی حاکم نمی‌بیند، راهی جز تشدید پیکار صنفی - سیاسی متحد علیه مستبدان ضد کارگر و ضدبشر حاکم، پیش‌روی خود نخواهد داشت. راه نجات کارگران و زحمتکشان، معلمان و پرستاران و همه توده تحت ستم ایران از این شرایط جهنمی و غیر قابل تحمل، وحدت و تشکیلات است. این چهل و یکمین نوروژی است که رژیم دروغ‌گو و خیانت‌پیشه جمهوری اسلامی بر مردم ایران تباه می‌گرداند. به امید سالی مملو از یگانگی و پیکاری سراسری و متحد علیه تاریک‌اندیشان حاکم. برای همه مردم ایران در سال جدید پیروزی و شادی و سربلندی آرزو می‌کنیم. به امید فراز آمدن نوروژ مردم ایران! نوروژتان پیروز!

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران!

زننده باد سوسیالیسم، این پرچم نجات بشریت!
دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!
حزب کار ایران (توفان) اسفند ماه ۱۳۹۸



بیانیه

بیانیه کانون نویسندگان ایران به مناسبت درگذشت فریبرز رئیس دانا

کانون نویسندگان ایران روز سه شنبه، ۲۷ اسفند ماه به مناسبت درگذشت رفیق فریبرز رئیس دانا بیانیه‌ای منتشر کرد که در بخشی از بیانیه چنین آمده است:

«فریبرز رئیس دانا از امضاء کنندگان متن ۱۳۴ نویسنده بود و در دو دهه‌ی گذشته در کانون نویسندگان ایران همواره حضوری موثر داشت. پس از قتل جنایتکارانه‌ی محمد مختاری و محمدجعفر پوینده لحظه‌ای از خون‌خواهی و ادامه‌دادن راه آنها باز نایستاد». کانون ضمن برشمردن ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی این عضو قدیمی و موثر خود درگذشت او را «به خانواده‌اش و به مردم ایران تسلیت می‌گوید و امیدوار است در اولین زمان ممکن مراسم یادبودی درخور قدر والای او برگزار کند».

رفیق فریبرز رئیس دانا معتقد به سوسیالیسم بود و آن را تنها راه نجات بشریت می‌دانست و هرگز آن را پنهان نکرد.

وی از استقرار حکومت کارگری در ایران دفاع می‌کرد و بر ضد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی مبارزه کرد و از این رژیم صدمات فراوان دید. فریبرز رئیس دانا دشمن سلطنت



پسرم و گنجشک‌های خیابان

خیلی هم نگران نباش
پسرک دل‌بند و ناآرامم
با معلمات - که دیدم به گنجایش روح تو، خنده بر شیار گونه
ندارند -

ستیزه مکن

خیلی هم نگران مباش که با تو نیستم این روزها
می‌ترسم غباری بر آینه‌ی دل امیدزایت بنشیند
بچه‌ای سرگردان و ژنده قبا‌ی کوچه را
بچه‌های گشته و نابازیگوش را
یارای زدودن آن نباشد.

راستی پسرم

آن‌ها را نه بابایت و نه کسی از رفیقان و خویشانت،
که شاید روزی بشناسیشان،

به قدر و قوت و نیاز یاری نداده است

آن‌ها ویلان خیابان‌های بد اخلاق و

چشم به راه عموهایشان مانده‌اند

پسرکم!

چشمه‌ی تازه گشوده‌ی زلال بی‌دریغ

به آن‌ها خوب نگاه کن

منتظر من باش و

چشم به راه هزاران کرور گنجشکانِ ورد جیک‌جیک گرفته

که دانه‌هاشان را به آن‌ها می‌دهند

و نیش منقارشان را نشانه‌ی شمایلان بی‌حرمت می‌کنند.

فریبرز رئیس دانا

اوین، مهر ۱۳۹۱ •

فعالان کارگری، کُنش‌گران محیط‌زیست و فعالان حوزه‌ی زنان از یاری‌اش برخوردار بودند، پژوهش‌گران حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی از دانش و بینش او بهره می‌بردند و شاعران و نویسندگان آرای انتقادی او را ارج می‌نهادند. از اینرو از محبوب‌ترین روشنفکران زمانه‌ی ما بود و جمع کثیری از مردم، صداقت و شجاعت او را در بیان حقایق و افشای فساد گسترده‌ی حاکم بر اقتصاد و سیاست کشور می‌ستودند. چنین ویژگی‌هایی سبب شد که حاکمیت، حضور او را که از مجرب‌ترین استادان علم اقتصاد بود، در دانشگاه‌های کشور تاب نیاورد؛ با احضارها و بازجویی‌های مکرر آزارش دادند و به جرم انتقاد از سیاست‌های اقتصادی کشور و پیش‌بینی عواقب زیان‌بار اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها که به فقیرتر شدن اقشار فقیر جامعه انجامید، به زندان محکومش کردند.

فریبرز رئیس‌دانا از امضاءکنندگان متن ۱۳۴ نویسنده بود و در دو دهه‌ی گذشته در کانون نویسندگان ایران همواره حضوری موثر داشت. پس از قتل جنایتکارانه‌ی محمد مختاری و محمدجعفر پوینده لحظه‌ای از خون‌خواهی و ادامه‌دادن راه آنها بازنا ایستاد. حضور همه ساله‌ی او در مراسم سالگرد آن دو، حتی هنگامی که از بیماری سرطان رنج می‌برد، مایه‌ی دلگرمی و الگوی وفاداری و مقاومت برای اعضای کانون نویسندگان ایران بود. وی سه دوره عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران بود و در آخرین مجمع عمومی (بهمن ۱۳۹۷) به عنوان بازرس مالی کانون برگزیده شد. به پاس دو دهه همدلی و همراهی‌های بی‌دریغ‌اش، کانون نویسندگان ایران در اسفند ماه سال ۱۳۹۵ مراسم بزرگداشت او را برگزار کرد.

فریبرز رئیس‌دانا در شرایطی چشم از جهان فروبست که کشور ما را بحرانی عمیق و فاجعه‌بار ناشی از شیوع ویروس کرونا فرا گرفته است. او از میان ما رفت، بی آنکه محقق شدن آرمان‌های شریف انسانی‌اش را به چشم ببیند و شاهد برجیده شدن بساط سانسور، استثمار، فقر و نابرابری باشد. با این وجود با ده‌ها اثر ارزشمند که در زمینه‌ی اقتصاد سیاسی، شعر و نقد ادبی از خود به یادگار گذاشت، بذر امید و مبارزه برای تحقق برابری و آزادی اندیشه و بیان بی‌هیچ حصر و استثنا را در جامعه‌ی ما پراکند.

درگذشت فریبرز رئیس‌دانا ضایعه‌ای بزرگ برای کانون نویسندگان ایران، جامعه‌ی فرهنگی و ادبی مستقل، جامعه‌ی مدنی و کُنش‌گران صنفی کشور است. کانون نویسندگان ایران درگذشت او را به خانواده‌اش و به مردم ایران تسلیت می‌گوید و امیدوار است در اولین زمان ممکن مراسم یادبودی درخورِ قدرِ والای او برگزار کند.

کانون نویسندگان ایران
۲۷ اسفند ۱۳۹۸ •

تاجی و عمامه‌ای بود. وی نفرت بی‌پایانی به فرقه مجاهدین رجوی و همه جاسوسان ایرانی داشت که در پشت نقاب‌های گوناگون خواهان تجاوز آمریکا به ایران بودند، نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران را تأیید می‌کردند، ایرانیان جاسوس و فرومایه‌ای که از تحریم غیرقانونی ایران حمایت کرده و مسروند از اینکه ایران قادر نیست به علت تحریم وسایل پزشکی بخرد و دارو تهیه کند و مایحتاج اولیه زندگی را از خارج تا آنجا که نیاز هست وارد نماید. رفیق فریبرز رئیس‌دانا شامه قوی سیاسی داشت و فوراً بوی تعفن این خودفروخته‌ها به مشام‌اش خورد. به این جهت در فضای مجازی توسط این اوباش خودفروخته مرتب مورد حمله و اتهام قرار می‌گرفت. وی از صهیونیسم متنفر بود و آن‌طور که پیروان حزب اسرائیلی «کمونیست کارگری منصور حکمت» تبلیغ می‌کنند، هرگز ضد یهود نبود، او دشمن نظام متجاوز و ضدبشری صهیونیستی اسرائیل بود.

فریبرز رئیس‌دانا از مبارزه خلق فلسطین و یمن حمایت می‌کرد و تجاوز امپریالیسم آمریکا و متحدین وی را به سوریه محکوم کرد و از حق حاکمیت ملی سوریه و تمامیت ارضی این کشور دفاع کرد. امری که چون خاری به سینه خودفروختگان فرومی‌رفت.

وی از میان ما رفت، ولی همیشه زنده است و ایرانیان خودفروخته اپوزیسیون هنوز حضور دارند، ولی برای مردم ایران مرده متعفن‌ی بیش نیستند و همیشه مرده‌اند. حزب ما و همه رفقا و دوستان صمیمی رفیق فریبرز رئیس‌دانا اجازه نخواهند داد تا از وی تندیس بی‌آزاری بسازند. از فریبرز رئیس‌دانا باید آنطور سخن گفت و دفاع کرد، که او بود.

در زیر متن کامل بیانیه کانون نویسندگان ایران درباره درگذشت رفیق فریبرز رئیس‌دانا را می‌خوانید:

بیانیه‌ی کانون نویسندگان ایران درباره‌ی درگذشت فریبرز رئیس‌دانا

فریبرز رئیس‌دانا، نویسنده، اقتصاددان و عضو قدیمی و برجسته‌ی کانون نویسندگان ایران، که در تاریخ بیستم اسفند ۱۳۹۸ به دلیل احتمال ابتلا به ویروس کرونا در بیمارستان تهرانپارس بستری شد، ساعت پنج صبح دوشنبه بیست و ششم اسفند ماه درگذشت.

فریبرز رئیس‌دانا نویسنده‌ای آزادی‌خواه، روشنفکری متعهد و برابری‌طلب، اقتصاددانی پرآوازه، صدای بی‌صدایان و زبان‌گویای کارگران و فرودستان و مدافع سرسخت آزادی اندیشه و بیان بی‌هیچ حصر و استثنا بود. دارای شخصیتی ممتاز و چند وجهی بود و همزمان در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حضور همزمان و مداوم داشت.

می‌پرسیدم که آقا به من اگر می‌خواهید رأی بدهید، یادتان نرود من طرفدار فلسطین هستم! من دوست یا سرعرفات بودم! من توی جبهه خلق برای آزادی فلسطین بوده‌ام! خوبه؟ من طرفدار خلق فلسطین هستم! من به آنها کمک می‌کنم و این نه کمکی که یک جناحی را علم بکنم علیه جنبش مردم فلسطین، آن هم سکناریستی برهم بزند، نه کمکی که آشوب بکند، ولی خطاب می‌کنم به مردم که آی مردم مبارزه شما برای آزادی و برای عدالت اجتماعی جدا از مبارزه ضدامپریالیستی نیست! این هوشیاری را باید داشته باشیم.

گفته می‌شود جمهوری اسلامی رفته آنجا «پول خرج کرده» نه! اینطور نیست. حقیقت را باید به مردم گفت، تا ببینند. ۶۰-۷۰ برابر آن پول‌هایی که آنجا خرج کردند، اینجا خودشان دزدیده‌اند. گمراه نکنید! حقیقت را بگوئید! این دفاع از خلق فلسطین، این دفاع از مردم سوریه که مقاومت کردند، آیا ارتش سوریه مقاومت نمی‌کرده؟ ارتش سوریه در مقابل آن همه نیرو نه‌ایستاده؟ طبیعی است که ایستادگی و مقاومت کرد.

کردها در شمال سوریه اشتباه نکردند، رفتند به سمت آمریکا؟ بله کردند، الان هم این «پاداشش» را گرفتند.

باید حقیقت را به مردم گفت، ولو اینکه به زیان باشد؛ ولو اگر نگوئیم بهتر میشه!! ولی باید حقیقت را به مردم گفت. حقیقت این است که رفتار آقای پوتین، موضع‌گیری که در آبان ۹۸ کرد، غلط بود، ضدبشری بود، خائنانه بود، ولی آنچه که ما داریم درباره آن منطقه صحبت می‌کنیم، آن منطقه را سوریه گرفته بود که آمریکا و عربستان خواستند که نابودش کنند و تبدیل‌اش کنند به یک قتل‌گاه، به محل حکومت و سکونت داعشی‌ها و نگذاشتند و این حرکت در آنجا این نتیجه را داده بود».

اینها بیانات روشن و شفاف رفیق فریبرز رئیس‌دانا علیه صهیونیسم و امپریالیسم و تجاوز به سوریه، فلسطین، لبنان، یمن و خلق‌های منطقه است. این رفیق جسورانه از حقوق ملت سوریه دفاع کرد، از ملت فلسطین دفاع نمود و تجاوزات امپریالیستی را محکوم کرد و چنین موضعی خاری در چشمان مزدوران امپریالیسم و منحرفین چپ‌اندروچی بود. فریبرز رئیس‌دانا زندگی خود را در مبارزه با دو رژیم فاسد و تبه‌کار شاه و شیخ گذارد و از جانب جبهه متحد ارتجاع جهانی مورد نفرت نیز بود. وی یکی از فرزندان شایسته، قابل احترام و نمونه خلق ایران است. تا دم آخر ایران را دوست داشت، به طبقه کارگر و سوسیالیسم علمی عشق می‌ورزید و در راه خود پیگیر و استوار بود.

یادش جاودان و راهش پررهور بود.



آخرین سخنرانی دکتر فریبرز رئیس‌دانا در دانشگاه امیرکبیر ۳۰ آذر ۱۳۹۸

«ای مردم! مبارزه‌ی شما برای آزادی و برای عدالت، جدای از مبارزه ضدامپریالیستی نیست»

رفیق فریبرز رئیس‌دانا در آخرین سخنرانی خود در دانشگاه امیرکبیر ۳۰ آذر ۱۳۹۸ که فیلم آن در عرصه مجازی پخش شد، به پرسش‌هایی در مورد تجاوز به سوریه و حضور نیروی ایران در این کشور، همدستی ناسیونالیست‌های کرد با آمریکا، مسئله فلسطین و نقش امپریالیسم پاسخ داد که ما به خاطر اهمیت این مسائل چکیده بخشی از سخنان وی را مکتوب کرده‌ایم، تا خوانندگان گرامی توفان الکترونیکی با مواضع مسئولانه و انقلابی این شخصیت برجسته ایران بیشتر آشنا شوند:

«...دیگر اینکه در مورد دخالت جمهوری اسلامی و حضورش در سوریه و در یمن و در اینجا تقابل جمهوری اسلامی و بشار اسد با داعش «بین خودت و خودم» واقعاً مترقی‌تر از داعش نبود؟! واقعاً نبود؟ آن داعش چه کارها که نمی‌کرد، از سربریدن‌ها تا... اما دو تا ایراد داریم که برایمان مطرح نکردند و از ما نپرسیدند [مردم] که ما می‌خواهیم برویم در خارج از کشور مداخله نمائیم. من اگر رئیس‌جمهور بودم،

ایران به کدام سو می‌رود؟

مردم در بند ایران سرگردان‌اند. چهل سال به این مردم دروغ گفتند، چهل سال صدایشان را نشنیدند، چهل سال تلاش کردند با تفکرات قرون وسطایی بر فرهنگ جامعه غلبه کنند و همراه با آن اقتصاد را به عقب برگردانند، هنوز هم بخشی از نهادهای دولت موازی از تلاش در این راه دست برنداشته‌اند. جامعه ایران به خاطر عدم وجود دستگاه‌ها و نهادهای پیشرو آسیب‌پذیر نگشته، از ریشه آسیب دیده و در بن‌بست کامل قرار گرفته است.

دولت مردان در قدرت با سیاست‌های ارتجاعی و ضد مردمی‌شان جان ملت را به لب رسانده‌اند به طوری که به دستورات و تصمیمات قانونگذاران و مجریان آن وقعی نمی‌گذارند، چون به حاکمان در قدرت اعتمادی نیست، حاکمین هم می‌دانند که از پشتیبانی مردمی برخوردار نیستند. همین یکسال گذشته چه دروغ‌ها که به مردم نگفتند! و آنجا که می‌باید به مردم اطلاع‌رسانی کنند، نکردند. هنوز نه پیرامون تعداد کشته‌شدگان جنبش آبانماه و نه از علت پرتاب موشک به هوایم‌ای اوکرائینی در آسمان تهران و جان‌باختن بیش از ۱۷۶ بیگانه گزارشی داده‌اند! در کنار سکوت مسئولین پیرامون وقایع آبانماه، برخی از نمایندگان مجلس از کشته‌شدن نزدیک به هزار نفر داد سخن گفتند! هم سقوط هوایم‌ای اوکرائین و هم جعبه سیاه این هوایم‌ای قابل نقد است. مسئولان در قدرت به مردم اطلاع‌رسانی نمی‌کنند که اگر جعبه سیاه از دست‌شان خارج شود و در دست کشورهای غربی افتد، بدون تردید دستکاری می‌کنند و چه بسا آنرا بهانه‌ای کنند برای تجاوز به ایران. روشن است برخی مسایل نظامی - امنیتی برای هر حکومتی خط قرمز است و باید رعایت شود، اما دولتی پیروز است که دارای اعتماد نسبی مردم باشد و عامه مردم هم تصمیمات دولت‌شان را می‌پذیرند.

ایران هنوز فاجعه کشتار آبانماه و سقوط هوایم‌ای اوکرائینی را پشت سر نگذاشته بودند که موضوع «ویروس کوید-۱۹» دامن گیر جامعه شد. وزیر بهداشت می‌گوید به موقع با رئیس جمهوری مشورت کرده است و توصیه کرده بوده که حرم «حضرت معصومه» بسته شود و عبور و مرور به قم منع گردد. رئیس جمهوری در این خصوص لب نمی‌گشاید و آخوندهای متحجر هم به طب اسلامی بیشتر پایبندند تا به علم، به علم پزشکی. این آخوندهای متحجر بر این باورند که طب اسلامی بر علم پزشکی برتری‌هایی دارد که امام زمان می‌تواند به آن پاسخ دهد. یعنی خودشان موظف نیستند به آن پاسخ دهند!

روشن است در شرایط حساس نباید اخباری را منتشر کرد که جامعه در ترس و بیم زندگی کند، ولی نباید با اطلاع‌رسانی ضد و نقیض به ترس و ناامیدی بیشتر دامن زد. برای نمونه «محمد

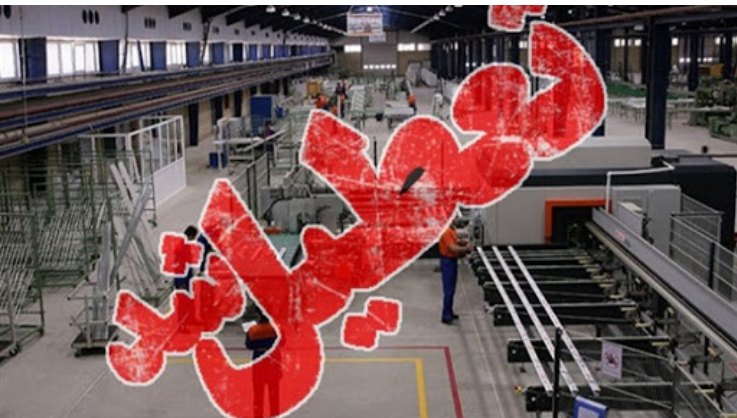
رضا قدیر»، رئیس دانشگاه علوم پزشکی قم، در مصاحبه‌ای تلویزیونی می‌گوید «وضعیت قم مناسب نیست و از همینجا استمداد می‌طلبم از وزارت بهداشت از هیأت دولت، قم را جور دیگری ببینید تا شاهد اپیدمی کرونا در قم نباشیم... آمار بیماران مبتلا را خود وزارت بهداشت اعلام می‌کند و گفته‌اند که آماری نباید اعلام شود». بیان این نباید کنجکاوی و عدم اعتماد بیافریند. گاهی در ادامه این نباید، دلایلی طرح می‌شود که فاقد شفافیت است و برای مردم روشن نیست که حاکمیت چه می‌گوید. این سیاست متناقض و ناروش و عدم اطلاع‌رسانی درست خود موجب ناامیدی و ترس می‌شود و بذر شایعه پراکنی را می‌افشاند که خطرش کمتر از «ویروس کوید-۱۹» نیست.

«امیر محمود حریرچی»، جامعه‌شناس مقیم ایران می‌گوید: «مهم‌ترین دلیل ترس و وحشتی که امروز به دنبال خبر شیوع کرونا در جامعه شاهدیم، بی‌اعتمادی مردم به مسئولان است که البته مسبوق به سابقه است. مدیریت نامناسب در زمان بحران، پنهان‌کاری و القای حس رهاشدگی به مردم از عواملی است که بر ترس و اضطراب جامعه افزوده است».

قابل ذکر است که عدم اطلاع‌رسانی شفاف به جامعه از مسایل اساسی و مهم، مختص مقامات جمهوری اسلامی نیست، در جوامع پیشرفته غرب و آمریکا اگر بدتر نباشد، بهتر نیست. در غرب، مقامات و مسئولین برخی از خبرها را پوشش می‌دهند تا اعتماد مردم را جلب کنند، ولی از اطلاع‌رسانی شفاف در موارد اساسی و عمده، که با مخالفت مردم روبرو می‌شوند، پرهیز می‌کنند. رسانه‌ها و رادیو تلویزیون‌های غرب نیز زمینه را برای رسیدن به این اهداف آماده کرده‌اند.

در غرب مردم چشم و گوش‌شان به سخنرانی‌های مقامات در قدرت است، چون سیستمی را فراهم آورده‌اند که کنجکاوی مردم را از تصمیمات مسایل اصلی به دور می‌کند. دولت‌ها مردم را با همین آمارهای پوپولیستی و عوام‌فریبانه در سطح و نه در عمق راضی نگه داشته‌اند.

در ایران حتی به این موارد هم توجه نمی‌شود. هر آخوندی که صدایش بلندتر بود، حرفش بیشتر منعکس می‌شود، نه خوبش، بلکه فقط بدش. هیچ نهادی هم مسئولیت نمی‌پذیرد. نتیجه این بی‌اعتمادی هم دو طرفه است. دولت هر روز نسبت به جامعه بیگانه‌تر می‌شود و صدای نارضایتی‌های جامعه را، ناهنجاری‌ها را، توصیه حامیان منافع ملی را نمی‌شنود، توان شنیدنش را ندارد. جامعه نیز به سوی رسانه‌های دروغ‌پرداز فارسی‌زبان که با سرمایه‌های عظیم دشمنان خارجی راه‌اندازی شده‌اند و مشتی مزدور و وطن‌فروش ایرانی را در استخدام خود گرفته‌اند، کشیده می‌شود. جامعه ایران در شایعه و اخبار دروغ غرق است. در حال خفه‌شدن است، و آنکه در حال غرق شدن است دستش را به هر وسیله‌ای می‌گیرد که خود را نجات دهد. اگر آن وسیله نهنگ باشد، در دهان نهنگ فرومی‌رود. جامعه



«سال جهش تولید»، یا سال

ادامه دروغ!

خانه از پای بست ویران است
خواجه در بند نقش ایوان است

ضرب المثلی است که می‌گوید: «مرغی که انجیر می‌خورد، نوکش کج است». آن دولتی می‌تواند مدعی تلاش در جهت «جهش تولید» باشد، که اساساً اقتصادش بر پایه «تولید» استوار باشد، نه اینکه دولتی با درپیش گرفتن بیش از سه دهه سیاست‌های نئولیبرالی با بولدوزر تولیدات صنعتی و کشاورزی را در جهت منافع بورژوازی تجاری و دلال و رانت‌خوار و برج‌سازان و زمین‌خواران، نابود و با خاک یکسان نماید و تمام نیازمندی‌های کشور و مردم را وارد کند، حالا شعار «جهش تولید» دهد!

واردات، به جز دهه اول حیات جمهوری اسلامی (که هنوز تا حدودی کنترل دولتی بر تجارت خارجی وجود داشت و کاهش درآمدهای نفتی و بروز جنگ)، سیر نزولی داشت و از مبلغ ۱۳،۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۰ به ۸،۲ میلیارد دلار در سال ۶۷ کاهش یافت، در تمام دوران ۳۰ ساله بعد از آن تا سال ۹۶ سیر صعودی داشت. در دوساله اخیر به دلیل تحریم‌های نفتی و بانکی و کاهش شدید درآمدهای نفتی، واردات سیر نزولی داشته است. البته باید توجه داشت که علاوه بر آمارهای رسمی دولتی در مورد واردات، سالانه ده‌ها میلیارد دلار کالای مصرفی قاچاق نیز وارد کشور می‌شود که توأمًا باعث نابودی تولیدات داخلی در عرصه صنعتی و کشاورزی می‌گردند.

میزان واردات طی سال‌های ۷۱ تا ۹۸
سال ۷۱: ۲۸ میلیارد دلار
سال ۷۲: ۱۹ میلیارد دلار
سال ۷۳: ۱۱ میلیارد دلار
سال ۷۴: ۱۲ میلیارد دلار
سال ۷۵: ۱۵ میلیارد دلار

ایران در حال رفتن به سوی هرج و مرجی است که مقامات در قدرت مسئول آنند. از این هرج و مرج به خاطر عدم یک تشکیلات مردمی فقط دشمنان خارجی سود می‌جویند، چه با همین مقامات و چه با نوکران و مزدوران امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی. یا همین نظام منفور جمهوری اسلامی به دامن امپریالیسم می‌رود و یا یک دولت دست‌نشانده جایش را می‌گیرد.

در جمهوری اسلامی پنهان‌کاری، دروغ، ندانم‌کاری و عدم اطلاع‌رسانی شفاف نهادینه گشته است و دولتمردان هیچ راه چاره‌ای جز ادامه ریاکاری ندارند. فرصت‌ها را هم به دلایل مختلف، گاه آگاهانه توسط عناصر جاسوس رخنه کرده در نهادهای قدرت و آخوندهای متحجر و گاه ناآگاهانه توسط مسئولین نالایق از دست داده‌اند.

مقامات در قدرت از این همه تجربه نیاموخته‌اند و هرگز نخواهند آموخت. زیرا ترس‌شان از مردم بیشتر است تا از دشمنان خارجی، نظیر صهیونیسم و امپریالیسم. مفسدان جنایتکار حاکم جامعه را به پرتگاه نیستی سوق داده‌اند. در این پرتگاه طبقات و اقشار فرودست بازنده اصلی هستند. سرمایه‌داران و برخی اقشار میانه با سرمایه‌ای که به چنگ آورده‌اند، نه تنها با این نظام مافیایی می‌سازند، بلکه با هر حکومت دست‌نشانده‌ای که ضامن امنیت سرمایه‌شان باشد، کنار می‌آیند.

اکنون وظیفه تمام آزادی‌خواهان است که لزوم یک جبهه انقلابی مردمی را که هدف‌اش استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی است، درک کنند و در این راه خود را برای تلاطمات آینده آماده نمایند.

در کارگه کوزه‌گری رفته دوش
دیدم دو هزار کوزه گویا و خموش

ناگاه یکی کوزه برآورد فروش
کو کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه‌فروش •

حکومتهای دینی هرگز حقوق انسانها را به رسمیت
نمی‌شناسند

همه آنها به «تجار محترم» و دولت فخریه انگلیس ختم می‌شد، راه را برای اجرای نظریه راهبردی عسکراولادی برای اقتصاد ایران باز کرد. نظر او این بود که ما نفت را می‌فروشیم و با پول آن مایحتاج کشور را وارد می‌کنیم و ایران را تبدیل به یک مرکز تجاری مشابه دویی خواهیم ساخت و به این طریق نه مشکل تولید خواهیم داشت و نه دردهای مربوط به طبقه کارگر و قانون کار و کمونیست‌ها.

شروع جنگ برای حاکمیت برکتی شد که بر بستر آن بتواند همه جریانات اپوزیسیون را سرکوب و سکوت قبرستانی را بر کشور حاکم کند؛ و بر بستر چنین شرایطی یک به یک تمام دست‌آوردهای انقلاب مردم را پس بگیرد. با خاتمه جنگ و مرگ خمینی و ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی با تحریف و تغییر اصل ۴۴ قانون اساسی و تأیید سید علی خامنه‌ای، کلید خورد و راه برای غارت و چپاول ثروت‌های ملی و نابودی صنایع و کشاورزی فراهم نمود. ماحصل این سیاست اقتصادی خائنه و ضدملی همین وضعیتی است که شاهدش هستیم که با یک تحریم اقتصادی آمریکا، کشور در وضعیت کیش و مات قرار گرفته است و دود آن به چشم ضعیف‌ترین اقشار جامعه و طبقه کارگر و زحمتکشان شهر و روستا می‌رود.

ایران اولین کشوری نیست که مورد تحریم‌های جنایت‌کارانه امپریالیست‌ها قرار گرفته است و آخرین نیز نخواهد بود. سؤال این است که چرا کشوری مثل جمهوری خلق کره که منابع و ذخائر بسیار کمتری نسبت به ایران دارد، می‌تواند طی ۷۰ سال در مقابل تحریم‌ها مقاومت کند، ولی ایران بعد از دو سال در شرایط تسلیم کامل و یا جنگ قرار می‌گیرد؟ پاسخ صحیح این سؤال فقط خودکفایی اقتصادی و تکیه به مردم است. کشور مستقل کوبا نیز نمونه روشن دیگری است که موفق شد با اتکا به مردم‌اش و حتی امکانات ضعیف منابع طبیعی در مقابل تحریم‌های غیرقانونی اقتصادی و تروریستی ۶ دهه امپریالیسم آمریکا بایستد و سربلند بیرون آید. هیچ کشور مستقلی نمی‌تواند با درپیش گرفتن دستورالعمل‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی در رابطه با اجرای سیاست‌های نئولیبرالی اقتصادی ملی و خودکفا داشته باشد و استقلال سیاسی خود را نیز حفظ کند.

شعار «جهش تولیدی» شعاری پوچ و فریب‌دهنده است، به این دلیل که استراتژی اقتصادی کشور از بیخ و بن اشتباه و خائنه است و در حال حاضر در بدترین وضعیت ممکن به سر می‌برد. البته جمهوری اسلامی در تولید دزد و جنایت کار و رانت‌خوار و رشوه‌بگیر و کلاه‌بردار و زمین‌خوار و جنگل‌خوار و لشگر چند میلیونی دلال و طلاب و نوحه‌خوان و رمال و چاقوکش و آدم‌فروش و جاسوس و انواع و اقسام لمپن و مفت‌خور و کلاش جهش بی‌نظیری کرده است و مقام شامخی در بین اقتصادهای مافیایی جهان دارد و توانایی آن را دارد که همچنان در این جهت جهش کند!*

سال ۷۶: ۱۴ میلیارد دلار
 سال ۷۷: ۱۴ میلیارد دلار
 سال ۷۸: ۱۲ میلیارد دلار
 سال ۷۹: ۱۴ میلیارد دلار
 سال ۸۰: ۱۸ میلیارد دلار
 سال ۸۱: ۲۲ میلیارد دلار
 سال ۸۲: ۲۶ میلیارد دلار
 سال ۸۳: ۳۵ میلیارد دلار
 سال ۸۴: ۳۹ میلیارد دلار
 سال ۸۵: ۴۱ میلیارد دلار
 سال ۸۶: ۴۸ میلیارد دلار
 سال ۸۷: ۵۵ میلیارد دلار
 سال ۸۸: ۵۴ میلیارد دلار
 سال ۸۹: ۵۵ میلیارد دلار
 سال ۹۰: ۵۷،۴ میلیارد دلار
 سال ۹۱: ۵۱،۳ میلیارد دلار
 سال ۹۲: ۵۰،۸ میلیارد دلار
 سال ۹۳: ۴۸،۲ میلیارد دلار
 سال ۹۴: ۴۱،۵ میلیارد دلار
 سال ۹۵: ۴۲ میلیارد دلار
 سال ۹۶: ۵۴ میلیارد دلار
 سال ۹۷: ۱۸،۹ میلیارد دلار
 سال ۹۸: ۲،۳ میلیارد دلار

پایه‌ریزی یک اقتصاد خودکفا از ضرورت‌های اصلی برای هر کشوری است که می‌خواهد استقلال سیاسی داشته باشد! بدون خودکفایی اقتصادی دیر یا زود استقلال سیاسی هم از دست خواهد رفت! خمینی در دشمنی با کمونیست‌ها، که نظام اقتصادی را زیربنای جامعه می‌دانند و معتقد هستند سیاست، فرهنگ و حقوق روبنایی متناسب با آن خواهد بود، اقتصاد را زیربنای خَر اعلام کرد و مدعی بود که زیربنای جامعه تفکر و فرهنگ اسلامی است و اقتصاد بخشی از روبنای جامعه است و چنانچه مطابق فقه اسلامی عمل شود، نه تنها دنیای مردم آباد می‌شود، بلکه آخرت آنها هم آباد خواهد شد. البته در کنار او تحصیل کرده‌های اروپایی مانند آقای ابوالحسن‌بنی‌صدر هم بودند که مُبلغ «اقتصاد اسلامی» بودند و قصد داشتند الگوهای مناسبات اقتصادی دوران برده‌داری ۱۴۰۰ سال گذشته عربستان را به مناسبات سرمایه‌داری ایران پیوند بزنند. احتیاج به گذشت زمان چندانی نبود که توهمات دُن‌کیشوتی آخوندها و آخوندزاده‌ها در برخورد با واقعیت بشکند و به این واقعیت معترف شوند که دو نظام اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیستی در دوران معاصر بیشتر نیست و چون اسلام با استعمار و حتی برده‌داری مخالف نیست، بنابر این راهی جز برنامه‌ریزی در چارچوب اقتصاد سرمایه‌داری نیست.

پیوند تاریخی و عمیق روحانیت و بازار و نفوذ جریاناتی شبیه هیئت‌های موفته اسلامی و فدائیان اسلام و حججیه که سر نخ



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار و گزارشات اعتراضات کارگری اسفند ماه ۱۳۹۸

حدوداً صد سال پیش در جریان جنگ جهانی اول دولت‌های انگلیس، روسیه و عثمانی به ایران علی‌رغم بی‌طرفی‌اش حمله کردند و دولت انگلستان با به وجود آوردن قحطی مصنوعی و پدید آوردن شرایط بیماری‌زا در ایران، باعث شد تا بیش از نیمی از جمعیت ایران، رقمی حدود ۹ میلیون انسان کشته شوند. و امروز مردم ایران در تحریم‌های غیرقانونی و ضدبشری قرار دارند و با وجود ویروس همه‌گیر «کرونا» و عدم دسترسی مردم به دارو و خدمات بهداشتی و درمانی، که از یک طرف نتیجه تحریم‌های امپریالیستی و از طرف دیگر بی‌کفایتی مسئولان نظام است، مردم ایران را در شرایط دهشتناکی قرار داده است. روحانیونی که در صد سال پیش در کنار طبقات فوقانی جامعه بر گرده کشاورزان و طبقه نوپای کارگر سوار بودند و در مقابل بلایای طبیعی و هم‌چنین بلایای ساخته دست دشمنان داخلی و خارجی، مردم را با عقاید خرافاتی و ضدانسانی خود خلع سلاح می‌ساختند، امروز در رأس حکومت سرمایه‌داری قرار دارند و با همان سلاح زنگار گرفته و ضدانسانی خرافاتی مذهبی، زحمتکشان را به مسلخ راهنما می‌شوند و سعی می‌کنند تا تحریم و ویروس و سیل و بحران و بیکاری و ... را هنوز هم بی‌رحم‌تر بر سرنوشت کارگران و زحمتکشان به کرسی بنشانند.

در سال گذشته علاوه بر تمامی سیاست‌های نابخردانه و سودجویانه سرمایه‌داران اسلامی و سیاست‌های ضدمردمی و ضدایرانی امپریالیست‌ها انواع و اقسام بلایای طبیعی، که می‌شود با برنامه‌ریزی علمی و مردمی به جنگ‌شان رفت و پیروز شد، به واسطه سودجویی و نابخردی نظام مقدس! زندگی را بر مردم

شریف ایران سخت‌تر کرد.

از طرفی تمام سازهای منحوس امپریالیست‌ها و نئولیبرال‌های داخلی و قهر طبیعت اما نتوانستند کارگران، زحمتکشان، زنان، دانشجویان، بازنشستگان و جوانان را از مبارزه برای به دست آوردن یک زندگی شرافتمندانه و انسانی بازدارند. مردم بویژه کارگران و زحمتکشان جامعه به‌رغم تمام مشکلات و مصیبت‌ها، سرکوب و زندان و شکنجه و شلاق و ... به مبارزات‌شان ادامه دادند و همچنان به‌رغم همه محدودیت‌ها ادامه می‌دهند. کارگران و زحمتکشان با درس‌آموزی از مبارزات سال ۹۸ و تجارب سال‌های گذشته آگاهانه‌تر خود را برای مقابله با بحران‌های آتی آماده می‌کنند و از پای نخواهند نشست.

در ادامه نگاهی به مبارزات کارگری در اسفند ماه می‌اندازیم:

تحریم انتخابات ۱ اسفند

«اسماعیل بخشی» در واکنش به برگزاری انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی نوشت: «بیاید در روز انتخابات هر کدام یک نهال بکاریم. چهار سال بعد هوارا تازه‌تر می‌کند». گروه اتحاد بازنشستگان با صدور بیانیه‌ای انتخابات را تحریم نمود. در این بیانیه می‌خوانیم که: «اینک در حالی که فشار اقتصادی و فقر نابودکننده مردم را جان به لب کرده است و در حالی که جناح‌های حاکم بر سر قدرت و ماندن بر سر خوان یغمای منابع، اهرم‌های قدرت و چپاول دسترنج ما، به جان هم افتاده‌اند، دست به نمایش انتخابات زده و بر منابر و در بلندگوهای تبلیغاتی‌شان شبانه‌روز از مردم می‌خواهند که در انتخابات مجلس شرکت کنند، مجلسی که خود برای مشروعیت بخشیدن به سیاست‌های سرکوب‌گرانه و غارت‌گرانه آنها تشکیل شده است. بدون شک در چنین وضعیتی شرکت در این انتخابات، چشم‌پستن به تمامی غارتگری‌ها و جنایاتی

قید وثیقه آزاد شد.

۸ اسفند

«ندا ناجی» پس از حدود ۳۰۰ روز بازداشت بطور موقت از زندان آزاد شد.

«پروین محمدی» با استقبال جمعی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران از زندان کجویی به مرخصی آمد.

۱۷ اسفند

«محمود بهشتی لنگرودی» به مرخصی آمد. امیدواریم با توجه به شرایط نامساعد درمانی و بهداشتی زندان سایر عزیزان در بند نیز هرچه سریع‌تر به مرخصی اعزام شوند.

۱۹ اسفند

«هنگامه شهیدی» برای مرخصی از زندان آزاد شد.

۲۰ اسفند

سه نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران طی ابلاغیه‌ای که شامگاه دیروز ۲۰ اسفند برای آنها ارسال شده است به شعبه یک اجرای احکام دادسرای شهید مقدسی فراخوانده شدند. «رضا خندان» و «بکتاش آبتین» دو عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران هر یک به شش سال زندان و «کیوان باژن»، عضو هیئت دبیران سابق کانون، به سه سال و شش ماه زندان محکوم شده‌اند.

۲۱ اسفند

«لیلا حسین زاده» با قید دو وثیقه به مرخصی آمد. یک وثیقه‌ی دو بیست و پنجاه میلیونی و یک وثیقه‌ی دو میلیارد تومانی که یکی از آنها برای پرونده‌ای که حکم آن در حال اجراست و دیگری برای پرونده‌ای است که دادگاه آن هنوز برگزار نشده است.

۲۳ اسفند

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه به احضار سه عضو این تشکل برای اجرای حکم زندان آنها اعتراض کرد. کانون این احضار را روانه کردن این سه نویسنده به «قربانگاه» دانسته و نوشته است: «عزم دستگاه قضایی برای زندانی کردن این سه نویسنده، در این مقطع زمانی که ویروس کرونا به شدت در حال گسترش و قربانی گرفتن است، آیا معنایی جز این دارد که مسئولین امنیتی و قضایی می‌خواهند منتقدین خود را به قربانگاه بفرستند؟»

۲۶ اسفند

۱۲۸ زندانی در بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ سالن چهار قرنطینه زندانی اوین در اعتراض به قراردادن در خطر ابتلاء به بیماری خطرناک کرونا و عدم مرخص شدنشان از زندان و وضع اسفناک بهداشت و غذا دست به اعتصاب زدند.

۲۷ اسفند

«اسماعیل عبدی»، دبیر کل پیشین کانون صنفی معلمان به

است که در حق مردم زحمتکش صورت گرفته است. اکثریت فرودست زحمتکش رأی خود را در خیزش‌های آبان و دیماه اعلام کرد و دیگر نیازی به شرکت در این انتخابات نمایشی نخواهند داشت.»

جمعی از معلمان عدالت‌خواه ایران پیرامون نمایش انتخابات بیانیه‌ای صادر کردند که در آن آمده است «افزون بر این مشکل ریشه‌ای، واقعیت مادی و عینی اکثریت جامعه از جمله فرهنگیان و کارگران دلایلی محکم برای تحریم انتخابات هستند. که می‌توان به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره نمود: ۱- سرکوب مستمر تشکل‌یابی مستقل توسط دولت‌ها به اتکای قوانین سرکوب‌گرانه مصوب مجلس. ۲- سرکوب دستمزد و معیشت اکثریت جامعه. ۳- سرکوب و زندانی نمودن فعالان مدنی و صنفی. ۴- سرکوب معیشت بازنشستگان از طریق عدم اجرای قوانین و تاراج صندوق‌های بازنشستگی کشوری، لشگری و تأمین اجتماعی. ۵- خصوصی‌سازی و پولی‌سازی خدمات اجتماعی و رفاهی از جمله آموزش و بهداشت. ۶- بی‌ثبات‌سازی شغلی و تصویب و اجرای قوانین ضد کارگری از قبیل قراردادهای موقت. ۷- تصویب و اجرای قوانین ضد حقوق زنان. ۸- تصویب و اجرای برنامه‌های به اصطلاح توسعه که منجر به تخریب محیط‌زیست شده است. ۹- تصویب و اجرای قوانین ضد کنوانسیون حقوق کودکان. ۱۰- تصویب و اجرای قوانین ضد حقوق اقوام و اقلیت‌ها.»

۲ اسفند

تحریم انتخابات از طرف کارگران، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان، زنان و مردان، از طرف تمامی زحمتکشان و مردم عزیز ایران نتیجه بخشید و نمایشی انقلابی را مقابل دیدگان مسئولان نظام سرمایه‌داری اسلامی در صحنه ایران به اجرا گذاشت و نشان داد که دولت سرمایه‌داری اسلامی غیرمشروع و بدون پایگاه در میان مردم می‌باشد.

۳ اسفند

احکام حامیان کارگران هفت تپه صادر شد. «هیراد پیربدایی» به ۶ ماه حبس تعزیری و «رهام یگانه» و «فرید لطف‌آبادی» هر کدام به ۶ ماه حبس تعلیقی به مدت ۴ سال و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شدند. «امیرحسین محمدی فرد» سردبیر نشریه گام در واکنش به صدور این احکام نوشت «به سرکوب نمایندگان کارگران هفت تپه و هیأت تحریریه گام معترض بودند، پس سرکوب شدند. خانواده‌های اسرای پرونده هفت تپه را تنها نگذاشتند، و امروز محکوم شدند.»

۴ اسفند

«امیرحسین علی بخشی» و «علی حقیقت جوان»، از فعالین دانشجویی شورای احیای انجمن‌ها و دبیر انجمن علم و صنعت، امروز بازداشت شدند.

۶ اسفند

«زینب هم‌رنگ»، معلم بازنشسته زندانی در ۲۰۹ زندان اوین به

مرخصی آمدند.

اعتصابات، تجمعات و اطلاعیه های کارگری

۳ اسفند

کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (س ژت) به واسطه حمایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و دیگر تشکل های کارگری جهانی از مبارزات کارگران فرانسه علیه حمله به حقوق بازنشستگی پیام تشکر و قدردانی برای تمامی سازمان های کارگری ارسال داشت.

شماری از کارگران فروشگاه های رفاه در تهران با برپایی تجمعی نسبت به بلاتکلیفی و نبود امنیت شغلی خود اعتراض کردند.

کارگران هفت تپه دست به تجمع اعتراضی زدند. خواست کارگران نیشکر هفت تپه به دلیل عدم واریز دستمزد دیماه، عیدی و پاداش ۹۸ بوده است. در این تجمع، که در جلوی دفتر مدیریت شرکت صورت گرفت، تعدادی از مدیران در میان کارگران حاضر شدند و اعلام داشتند که تا بعد از ظهر عیدی و پاداش پرداخت خواهد شد. و تجمع کارگران پاسخ داد و عیدی و پاداش تا ساعت چهار بعد از ظهر به حساب کارگران واریز شد. قدرت کارگران در اتحاد و مبارزه شان نهفته است و جز این نیست!

۴ اسفند

شماری از کارگران نی بُر مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به کسر دو روز از حقوق شان در فیش دیماه، مقابل دفتر مجتمع این مرکز تولیدی تجمع اعتراضی برگزار کردند. مطابق این خبر، حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر از جمعیت ۷۰۰ نفری این گروه از کارگران نی بُر هفت تپه با پیاده روی در مسیر مزارع مقابل دفتر مدیریت جمع شده و نسبت به کسر دو روز از فیش حقوق دیماه خود اعتراض کردند.

تعدادی از کارگران خدمات شهرداری قسمت عمران و برق منطقه دو شهرداری اهواز صبح امروز به دلیل عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و معوقات خود همچنین عدم پاسخگویی مسئولین مقابل شورای شهر اهواز تجمع اعتراضی کردند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه معوق شدن حقوق کارگران را قویاً محکوم ساخت و خواهان پرداخت فوری حقوق معوق کارگران شد.

بیش از ۱۰۰ نفر از بهورزان شهرستان میناب مقابل شبکه بهداشت و درمان این شهرستان به دلیل پرداخت نشدن حقوق عقب افتاده و مطالبات شان از سوی شبکه بهداشت و درمان این شهرستان، اقدام به اعتصاب و تجمع کردند.

۵ اسفند

جمعی از کشاورزان دشت آزادگان، روز دوشنبه ۵ اسفندماه، خود را به پایتخت رساندند تا با تجمع مقابل وزارت کشور صدای اعتراض خود نسبت به عدم پرداخت خسارت سیل

فروردین ماه سال جاری را به گوش مسئولان برسانند. محوطه کارخانه هپکو اراک نیز شاهد تجمع اعتراضی کارگران این کارخانه بود. کارگران هپکو در این روز در اعتراض به عدم اقدامات جدی و کافی برای پیشگیری از کرونا، در محوطه این کارخانه دست به تجمع زدند.

بیش از ۳۰ نفر از کارگران شرکت پخش فرآورده های نفتی ماهشهر که به صورت گروهی از کار اخراج شده اند، مقابل درب ورود و خروج تانکرها به این انبار نفتی، دست به تجمع اعتراضی زدند.

۸ اسفند

تجمع و اعتراض کارگران معدن چادرملو ادامه دارد. سومین روز اعتصاب کارگران شرکت فرایندسازان انرژی در دهلران در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق. پرستاران بیمارستان امینی لنگرود در اعتراض به نبود پوشش ایمنی، امکانات حفاظتی و تجهیزات کافی برای جلوگیری از ابتلا به کرونا و ویروس، دست به اعتصاب زدند.

۱۰ اسفند

شماری از کارگران بازنشسته شرکت فرخ و مه‌نخ در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

جمعی از کارگران کارخانه آذرآب اراک در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی خود دست به تجمع زدند.

کارکنان و کارگران پالایشگاه بیدبلند ۲ بهبهان در پی چندین مورد ابتلای مشکوک به کرونا در پالایشگاه و پنهان کاری واحد ایمنی و بهداشت اعتصاب کردند. واکنش مسئولان نسبت به این اعتراض برحق کارگران ارعاب و تهدید اعتصاب کنندگان به اخراج بود.

۱۱ اسفند

پلاتفرم سندیکا های کارگری سوئد - ایران، روز یکشنبه ۱۱ اسفند ۹۸ در خصوص احتمال شیوع گسترده ویروس کرونا در زندان های ایران، با انتشار بیانیه ای اعلام کرده است که احتمال ورود این ویروس به زندان ها، جان فعالین سندیکایی، سیاسی و مدنی را که در زندان هستند، تهدید می کند. در این اطلاعیه آمده است: «برای نگهداری حتی یک روز آنها در زندان هیچ دلیل و توجیه قابل قبول نیست. نگه داشتن آنها در زندان بازی با مرگ آنهاست و مسئولیت این بازی خطرناک تماماً با قوه قضائیه و بالاترین مقامات جمهوری اسلامی می باشد. ما آزادی فوری و سریع آنها را خواستاریم».

رانندگان خودروهای استیجاری شاغل در اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ۵ دستمزد معوقه ماه خود اعتصاب کرده و تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواهان پرداخت حقوق معوقه خود شدند.

کارکنان اقماری شرکت های زیرمجموعه وزارت نفت در اعتراض به نبود امکانات پیش گیری از ویروس کرونا در محل

نیست که باید در مقابل ستم و تبعیض‌های موجود تسلیم شد، بلکه ضروری است تا رسیدن به جامعه‌ای آزادی و برابر تارفع استثمار انسان از انسان، بر علیه تبعیض و نابرابری‌ها به مبارزه برخاست، زیرا پیشروی و کسب هرگونه بهبود در شرایط کار و زیست و بدست آوردن مطالبات جنبش زنان در شرایط کنونی بخشی از یک مبارزه طبقاتی می‌تواند باشد. سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، روز ۸ مارس، روز جهانی زن را به زنان کارگر و زحمتکش و تمام زنانی که برای آزادی و برابری مبارزه می‌کنند، تبریک می‌گوید.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در پیام خود به مناسبت روز زن آورده است: «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه مبارزات زنان را جدای از مبارزات کارگران نمی‌داند و بر این باور است که رهایی فرودستان از جمله زنان و کارگران در گرو بازیابی پیوند مطالبات کارگری و زنان و اشکال مختلف کار تولیدی و بازتولیدی است».

کارگران بخش خدمات مترو تهران که شمار آنها حدود ۱۰۰ تن برآورد شده است، برای اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق و مطالبات‌شان، مقابل شورای شهر تهران و ساختمان شرکت بهره‌برداری مترو تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. لازم به یادآوری است، یکشنبه ۲۷ بهمن ماه نیز برخی از کارگران خط ۳ متروی تهران، به دلیل عدم پرداخت ۱۸ ماه حقوق‌شان، در مقابل ساختمان شورای شهر تهران دست به اعتراض زده بودند.

راندگان سرویس مدارس تهران برای اعتراض به عدم واریز حقوق اسفندماه، مقابل آموزش و پرورش منطقه ۴ تهران دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۹ اسفند

اعتراض چراغ روشن رانندگان خط ۷ بی‌آرتی تهران به علت عدم پرداخت عیدی کارگران. سندیکای شرکت واحد ضمن هشدار مجدد به مدیریت برای عدم پرداخت عیدی کارگران اعلام داشت که بی‌توجهی به مطالبات رانندگان و کارگران واحد باعث ادامه اعتراضات رانندگان خواهد شد.

جمعی از آموزش‌یاران و آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی کهگیلویه و بویراحمد به نمایندگی از همکاران‌شان در سراسر استان مقابل اداره کل آموزش و پرورش، به دلیل تبعیض در خصوص عدم التزام به تبصره ۱۰ ماده ۱۷ قانون تعیین تکلیف آموزشیان نهضت در استان دست به اعتراض زدند.

۲۰ اسفند

تعدادی از کارکنان سامانه ۶ خطوط بی‌آرتی شرکت واحد تهران در محل سامانه تجمع کردند و رانندگان این سامانه همزمان با روشن کردن چراغ اتوبوس‌هایشان از همکاران معترض حمایت کردند. رانندگان خط یک بی‌آرتی در همبستگی با رانندگان خطوط

کار خود دست به تجمع زدند.

کارگران شهرداری سقز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود مقابل ساختمان این شهرداری دست به تجمع زدند.

شماری از کارگران معدن طلای زرشوران در اعتراض به شرایط کاری نامناسب و عوامل بیماری‌زا دست به تجمع زدند.

۱۲ اسفند

کارگران شهرداری رشت در اعتراض به ادامه بلا تکلیفی معیشتی علی‌رغم وعده و وعیدهای مقامات دست به تجمع زدند.

جمعی از کارگران شهرداری تهران در اعتراض به عدم برخورداری کارگران از افزایش ۳۰ درصدی فوق‌العاده جذب کارکنان شهرداری‌ها تجمع کردند.

۱۳ اسفند

کارگران راه آهن اراک دست به اعتصاب زدند. علت تجمع اعتراضی نگرفتن عیدی و حقوق بود. کارگران از تمامی ناحیه یعنی ۲۰۰ نفر در محل کار دست به اعتصاب زدند. کارگران گفتند که ساعت کار که رسماً کم شده، ولی آنها را تا دیر وقت در شرکت نگه می‌دارند.

۱۴ اسفند

کارکنان شرکت رامپکو در ایلام روز چهارشنبه ۱۴ اسفند ماه، با گذشت بیش از ۱۷ ماه از آخرین پرداختی حقوق ۱۸۶ کارگر این شرکت، برای سومین روز متوالی، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۶ اسفند

جمعی از زنان و مردان آزاده در شهر بانه به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن مراسم پرشور و شوقی را برگزار کردند.

۱۷ اسفند

کانون نویسندگان ایران به مناسبت روز جهانی زن در بیانیه خود آورده است: «کانون نویسندگان ایران با گرامیداشت کوشش همه‌ی زنان و مردان آزادی‌خواه جهان، خواستار آزادی همه‌ی مبارزان دربند، به ویژه زنان فعال اجتماعی و سیاسی - عقیدتی و کناره‌گیری همه‌ی نیروهای انتظامی و نهادهای امنیتی از سانسور و سرکوب زنان است و بات‌آکید بر لزوم آزادی بدون حصر و استثنای اندیشه و بیان برای رسیدن به جامعه‌ای برابر و آزاد، حق ایجاد تشکل‌های زنان و پیگیری علنی مطالبات‌شان را از راه‌های فردی و گروهی ضروری می‌داند، زیرا این مطالبات پیش شرط رهاسازی زنان، به عنوان یکی از ارکان بنیادین اعتلای جوامع است و برداشتن این گام مهم، همبستگی همه‌ی آحاد جامعه را می‌طلبد».

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه در پیام خود به مناسبت روز زن آورده است: «زنان به معنای واقعی کلمه در نظام سرمایه‌داری، آزاد، برابر و رها نخواهند شد، اما این بدان معنی

مردن در اعتراض به پرداخت نکردن حقوق خود دست به اعتصاب زدند.

۲۳ اسفند

جمعی از کارگران مخابرات روستایی سراسر کشور با رفتن به تهران و برپایی تجمع نسبت به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود اعتراض کردند.

کارگران پیمانی شبکه بهداشت و درمان گچساران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات معوقه خود دست به اعتصاب زدند. در پی این اعتصابات و تجمعات رئیس شبکه بهداشت و درمان گچساران اعلام کرد که طی روزهای آینده حقوق دو ماه از معوقات کارگران به آنها پرداخت خواهد شد.

۲۴ اسفند

کارکنان مترو تهران به دلیل عدم پرداخت معوقات مزدی‌شان از ساعت ۱۳ تا ۱۵ به مدت دو ساعت زیر پل کالج تجمع و اعتصاب کردند.

شماری از کشاورزان چاروسا، مرکز دهستان طیبی سرحدی شهرستان کهگیلویه در استان کهگیلویه و بویراحمد که متقاضی کود شیمیایی بودند، در مقابل جهاد کشاورزی چاروسا تجمع کردند. تجمع کشاورزان به دستور رئیس جهاد کشاورزی چاروسا، با یورش نیروهای انتظامی مواجه و به درگیری کشیده شد.

۲۵ اسفند

بعد از روزها اعتراض رانندگان (روشن کردن چراغ اتوبوس در روز) و فضای اعتراضی در کلیه کارگاه‌ها در سطح شرکت واحد همچنین بالا رفتن خطر اعتصاب بالاخره عیدی کارگران شرکت واحد پرداخت شد.

برای دومین روز متوالی، شماری از کارگران کارخانه شیشه قزوین در اعتراض به عدم به کارگیری اقدامات لازم برای مقابله با شیوع ویروس کرونا تجمع کردند.

کارگران حمل زباله شهرداری دزفول که تعداد آنها حدود ۲۰ نفر بود، برای چندمین روز متوالی در اعتراض به شرایط کاری و سطح پائین حقوق و ۴ ماه تأخیر در پرداخت دستمزدشان، مقابل شهرداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران شهرداری سقز، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌های عقب‌مانده خود، در محوطه محل کارشان به تجمع اعتراضی روی آوردند. این کارگران با برپایی این تجمع، خواستار پرداخت دستمزد ماه گذشته و ۷ ماه اضافه‌کاری خود شدند.

جمعی از کارکنان مترو تهران برای چندمین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد عقب‌مانده خود، دست به تجمع اعتراضی و اعتصاب زدند.

۲۶ اسفند

قلب فریبرز رئیس‌دانا، یاور زحمتکشان پس از شش روز جدال با مرگ از تپش بازایستاد. متأسفانه به دلیل شرایط بهداشتی

شش و هفت بی‌آرتی و در اعتراض به تأخیر در پرداخت عیدی چراغ اتوبوس‌هایشان را روشن کردند. سندیکای کارگران شرکت واحد در چند روز گذشته خواهان پرداخت عیدی و حقوق رانندگان و کارگران در موعد مقرر شده بود و به مدیریت در خصوص آغاز دور جدیدی از اعتراضات در صورت تأخیر در پرداخت عیدی و حقوق قبلاً هشدار داده بود. سندیکا اعلام داشت رانندگانی که به طور علنی و آگاهانه دست به اعتراضی مسالمت‌آمیز زده‌اند، هرگز تسلیم تهدید و ارباب شوراها فرمایشی کار شرکت واحد نخواهند شد.

تعدادی از کارکنان مخابرات استان زنجان با خواسته‌های مزدی دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارکنان مخابرات شهر تبریز در اعتراض به عدم پرداخت عیدی پایان سال و حقوق پرداخت‌نشده مصوب ۱۷ آذر، در مقابل ساختمان مرکزی مخابرات استان آذربایجان شرقی تجمع کردند.

شماری از کارگران شرکت تولیدی پومر برای دومین روز متوالی، در شهر صنعتی کاوه شهرستان ساوه، دست به تجمع اعتراضی زدند.

شماری از کارگران هپکو اراک با اعلام اینکه اگر از کرونا جان سالم به در ببریم از ویروس ناکارآمدی در هپکو می‌میریم، طی بیانیه‌ای بابت از دست رفتن تدریجی سهام بلوکی شرکت هپکو اعتراض کردند.

جمعی از کارگران شهرداری تهران در اعتراض به نبود امکانات پیش‌گیری از کرونا دست به تجمع زدند.

کارگران مس سرچشمه نسبت به عدم انجام اقدامات بهداشتی در محل غذاخوری و سرویس حمل و نقل که باعث سرایت بیماری کروناست دست به اعتراض زدند.

۲۱ اسفند

کارگران پیمانی شبکه بهداشت و درمان گچساران در اعتراض به عدم پرداخت ماه‌ها حقوق چند روزی است که در اعتصاب هستند و مقابل ساختمان شبکه بهداشت در شهرستان گچساران تجمع می‌کنند.

رانندگان خط یک بی‌آرتی امروز سه‌شنبه بیستم اسفند در اعتراض به تأخیر در پرداخت عیدی و حقوق چراغ اتوبوس‌هایشان را روشن کردند. همچنین امروز رانندگان خط شش بی‌آرتی نیز در همین رابطه چراغ اتوبوس‌هایشان را روشن کردند. کارگران توقف‌گاه و تعمیرگاه سامانه شش نیز با تجمع در مقابل ساختمان اداری اعتراض خود را به تأخیر در پرداخت عیدی و حقوق اعلام کردند.

گروهی از کارگران هپکو روز چهارشنبه ۲۱ اسفندماه با برپایی تجمع به فروش یک درصد دیگر از سهام این شرکت توسط سازمان خصوصی‌سازی اعتراض کردند.

۲۲ اسفند

جمعی از کارگران شرکت آب و خاک پارس پروژه تبریز

مهاجر، نیمه وقت، و مشاغل غیررسمی تاکید شده است.

۲۷ اسفند

کانون نویسندگان ایران به مناسبت درگذشت فریبرز رئیس دانا بیانیه منتشر کرد. در بخشی از بیانیه آمده است: «فریبرز رئیس دانا از امضاء کنندگان متن ۱۳۴ نویسنده بود و در دو دهه‌ی گذشته در کانون نویسندگان ایران همواره حضوری موثر داشت. پس از قتل جنایتکارانه‌ی محمد مختاری و محمدجعفر پوینده لحظه‌ای از خونخواهی و ادامه دادن راه آنها باز نایستاد». کانون ضمن برشمردن ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی این عضو قدیمی و موثر خود درگذشت او را «به خانواده‌اش و به مردم ایران تسلیت می‌گوید و امیدوار است در اولین زمان ممکن مراسم یادبودی درخورِ قدرِ والای او برگزار کند».

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران به مناسبت درگذشت دکتر فریبرز رئیس دانا پیام تسلیتی را انتشار داد.

۲۸ اسفند

نزدیک به سه هزاروپانصد تن از کارگران معادن مربوط به صنایع آهن و فولاد در سیرجان در اعتراض به خودداری از تعطیل کردن شرکت‌های فولاد و معدن در بحبوحه شیوع بیماری کرونا؛ اعتصاب کردند.

جمعی از کارگران شهرداری منطقه ۵ کرج، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای عقب‌افتاده خود، دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۹ اسفند

در پیام نوروزی «اسماعیل بخشی» آمده است «در آخرین ساعات سال یاد می‌کنم از کسانی که نه به خاطر «خوردن حق مردم» که به خاطر «سخن گفتن از حق مردم» در زندان ظلم هستند و حتی به خاطر در امان بودن از بیماری کرونا هم به آن‌ها مرخصی ندادند و عزیزان‌شان دلتنگ و نگران‌شان».

سازمان ملل به مناسبت نوروز خواستار آزادی فعالان محیط‌زیست زندانی در ایران شد.

در پیام شادباش سندیکای کارگران شرکت واحد به مناسبت فرارسیدن سال نو آمده است: «درحالی‌که شاهد فرارسیدن بهار و شکوفاشدن جوانه‌ها و گردش طبیعت هستیم که سالی بسیار سخت و پرانده را پشت سر گذاشتیم، سالی که گذشت بیش از پیش رنج و مشقت برای کارگران و فرودستان رقم زده شد. در آبان ماه ۹۸ صدای اعتراض کارگران و فرودستان نسبت به سه برابر شدن قیمت بنزین و روند آزادسازی قیمت‌ها و فقر و فلاکت با شدت تمام سرکوب شد و اعتراضات مسالمت‌آمیزشان منجر به جان‌باختن صدها تن از هموطنان و زندانی شدن هزاران تن دیگر شد که همچنان شوک و اندوه آن بر جامعه باقی مانده است. در سال گذشته سیل و زلزله خانه‌های بسیاری از فرودستان را ویران کرده و به دلیل ناکارآمدی

در کشور و شیوع ویروس کرونا امکان نبود که دوستان و دوستداران فریبرز رئیس دانا پیکرش را بدرقه کنند. نام و یاد عزیزش جاودان باد!

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به کارگران و زحمتکشان ایران درگذشت فریبرز رئیس دانا را تسلیت می‌گوید. در این تسلیت نامه آمده است: «فریبرز رئیس دانا، نویسنده، اقتصاددان چپ‌گرا و عضو شناخته‌شده کانون نویسندگان ایران پس از شش روز دست و پنجه نرم کردن با بیماری کرونا و بستری‌بودن در بیمارستان درگذشت. جان باختن فریبرز رئیس دانا را به کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان تسلیت می‌گوئیم».

«محمدحبیبی» به مناسبت درگذشت دکتر فریبرز رئیس دانا حامی فرودستان و زحمتکشان پیام تسلیتی را از زندان فرستادند. در این پیام آمده است: «خبر تاسف‌بار درگذشت دکتر فریبرز رئیس دانا، استاد و پژوهش‌گر برجسته برانده‌مان در این روزهای سخت و دشوار افزود. این استاد ارجمند علاوه بر آثار قلمی و تحقیقی ارزشمند در صحنه عمل نیز مبارزی برجسته بود و در راه پیگیری ارزش‌های والای انسانی همچون آزادی و برابری سال‌ها فشار و تهدید و زندان را به جان خرید. لذا بر خود لازم می‌دانم درگذشت این استاد عزیز را به دوستان، هم‌فکران و خانواده محترم‌شان تسلیت عرض نمایم. بی‌شک نام او در تاریخ فکری و مبارزاتی این سرزمین به یادگار خواهد ماند».

شماری از کارگران و کارمندان راه‌آهن مشهد در اعتراض به نبود امکانات پیشگیری از کرونا برای چندمین بار دست به تجمع اعتراضی زدند.

شماری از کارگران شرکت حفاری شمال، در اعتراض به افزایش ساعت کاری خود، هم‌زمان با شیوع سریع کرونا، در محل کار خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران معدن گل‌گهر کرمان، در اعتراض به تعطیل‌نشدن معدن و قرنطینه‌نشدن کارگران، به دلیل شیوع ویروس کرونا، در مقابل فرمانداری اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. جمعی از کارگران شهرداری منطقه ۳ بندرعباس برای چندمین بار در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه دستمزد، حق بیمه و عیدی خود، دست از کار کشیدند و در مقابل استانداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران دو شرکت آذرآب و هپکو اراک در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات پرداخت‌نشده خود دست به تجمع اعتراضی زدند. کارخانه آذرآب و هپکو اراک برای جلوگیری از گسترش ویروس کرونا موقتا تعطیل و کارگران آن بدون پرداخت مطالبات‌شان، به خانه فرستاده شدند.

شورای جهانی اتحادیه‌های کارگری در یک بیانیه مشترک خواهان اقدامات فوری از سوی دولت‌ها و کارفرمایان برای حمایت از کارگران در بحران اقتصادی ناشی از اپیدمی ویروس کرونا شد. در این بیانیه به طور خاص بر لزوم حمایت از تمامی کارگران، اعم از رسمی و غیررسمی، و به ویژه کارگران



MEHR NEWSAGENCY
Photo: Akbar Baqirkhani

گفتگویی با دکتر «شهلا قادری»، متخصص پوست و فعال اجتماعی در مورد گسترش ویروس کرونا در ایران و وضعیت مردم

پرسش: خانم قادری، امروز ویروس کرونا به یک هیولای جهانی بدل شده است. ترس و وحشت بر بسیاری از کشورها از جمله ایران چنان سایه سنگینی انداخته که همه آحاد ملت را در خود فروبرده است. دلیل گسترش این ویروس در ایران و نقش و مسئولیت حاکمیت را در این بحران چگونه می‌بینید؟

پاسخ: با وجود اپیدمی در چین و انعکاس آن در جهان می‌بایست در درجه اول با عدم محدودیت تردد به کشور چین و اطلاع‌رسانی صحیح اقدام می‌شد که این کار متأسفانه انجام نگرفت. حقیقت این می‌باشد که دولت مردان ایران موضوع را جدی نگرفتند. مردم هیچ اطلاعی در این زمینه نداشتند و به زندگی عادی خود ادامه دادند تا اینکه در نهایت توسط یک پزشک قمی، که برادرش مبتلا به ویروس کرونا بود، این خبر منتشر شد و از این طریق کنجکاوای مردم را برانگیخت. این خطای غیرقابل بخششی است و مسئولین باید پاسخگو باشند. با سکوت و پنهان‌کاری نمی‌شود به جنگ این گونه حوادث رفت. «رهبر» نیز مردم را به آرامش و به خواندن دعا دعوت کرد و اساساً این خطر را جدی تلقی نکرد.

پرسش: اطلاع‌رسانی و مدیریت صحیح و اعتماد به دولت و مسئولین در چنین شرایط بحرانی نقش مهمی در آرامش مردم و مقابله با این ویروس ایفا می‌کند. با وجود عدم اعتماد مردم به رژیم نحوه عمل مردم در برخورد با این بحران چگونه است؟ زندگی

مدیریتی در کشور با وجود سرمای سخت در زمستان این ویرانی‌ها همچنان باقی است. با شلیک پدافند هوایی، هواپیمای مسافربری سرنگون شد و تمام سرنشینان آن جان باختند که باعث خشم و اعتراض مردم گردید. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن شادباش سال نو به عموم هموطنان، آرزوی اتحاد و همبستگی کارگران و مزدبگیران برای رسیدن به حقوق برابر و زندگی شرافتمندانه دارد».

در پیام نوروزی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه می‌خوانیم «سال ۱۳۹۸ را در شرایطی پشت سر می‌گذاریم که به مانند سال‌های قبل تر پر بود از فاجعه، از استثمار، از فقر فزاینده، از کشتار، از اختناق و سرکوب، از زندان و شکنجه، از قراردادهای سفید، از پرداخت نشدن دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، از توهین و تحقیر و ... سال کهنه را پشت سر می‌گذاریم با گرامیداشت یاد جانباختگان دیماه ۹۶ و آبان ۹۸، و درود می‌فرستیم به تمام کسانی که برای رهایی به خیابان‌ها آمدند و صدای اعتراض میلیون‌ها نفر انسان کارگر و زحمتکش بودند، صدای تهیدستان و فرودستان جامعه که برای نان و آزادی از جان عزیز خود گذشتند. ... سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه فرا رسیدن بهار و سال نو را به شما تبریک می‌گوید. هر چند رنگ و رخساره ما پر است از درد و رنج و نگرانی و اضطراب، هر چند فقر و ناداری، تبعیض و نابرابری‌ها و استثمار و حاکمیت سرمایه‌داران همچنان ادامه دارد، هر چند انسان‌های بی‌شماری به گلوله بسته شدند، هر چند عزیزانمان هنوز در گوشه زندان هستند، هر چند هنوز اشک مادران و پدران و بستگان جان‌باختگان ما خشک نشده است، هر چند هنوز نظام گنبدی صاحبان زر و زور بر قدرت تکیه زده‌اند، اما بهار را، که نوید بخش زندگی است، نباید فراموش کرد، نباید از یاد برد که زندگی زیباست و برای این زیبایی باید جنگید و تسلیم نشد».

سال ۹۸ را در حالی پشت سر می‌گذاریم که بسیاری از مشکلات کوچک و بزرگی که مقابل طبقه کارگر قرار داشته است، حل نشده باقی‌مانده است مسائلی که بدون آگاهی و تشکلات مستقل صنفی سراسری به موفقیت نخواهد رسید. •

چاره رنجبران وحدت و تشکلات است

روزمره مردم تحت چنین شرایطی چگونه است؟

پاسخ: مردم به دولت و دستگاه‌های مربوطه اصلاً اعتماد ندارند. دولت و یا حاکمیت از همان آغاز سعی کرده عمق فاجعه را کم‌رنگ جلوه دهد، ولی مردم از آنجایی که نسبت به دولت و مسئولین بی‌اعتماد بودند، دچار واگم شدند! و از اینرو مردم خودشان برای نجات جان‌شان وارد عمل شدند. مردم و فعالان اجتماعی قدم به قدم برای پیش‌گیری و مراقبت به میدان آمدند و مسئولیت‌های سنگینی را بر دوش گرفتند. وزارت بهداشت و کادر درمانی نیز خودجوش و بدون نظم و انضباط و تحت فشار مردم وارد عمل شده است. ولی به نظرمی‌رسد وزارت بهداشت تحت فشار حاکمیت قرار دارد و لذا پزشکان بطور نامرتب و ناهماهنگ اطلاعات در اختیار مردم و سایر همکاران قرار می‌دهند. بدون اعتماد به دولت و بدون مداخله و سرمایه‌گذاری دولت، کار به سختی پیش می‌رود. متأسفانه باید گفت که عدم اعتماد نه فقط به دولت، بلکه به نظام و رهبری جامعه بیش از چهل سال است که شکل گرفته و به این زودی‌ها نمی‌شود اعتماد مردم را جلب کرد. زندگی مردم در چنین شرایطی، که از هیچ سو مورد حمایت قرار نمی‌گیرد، بسیار غم‌انگیز است. وقتی مدام دروغ تحویل ملت داده شود، آنوقت نمی‌شود انتظاری غیر از این از مردم داشت. تهیه نان شب و سیر کردن شکم زن و بچه و این همه مخارج باعث می‌شود که یک کارگر یا دست‌فروش ناچاراً مرگ را به جان بخرد و از خانه بیرون برود. خطر مبتلا شدن این قشر از مردم به ویروس کرونا بسیار بالاست.

پرسش: چه کمبودهایی در شرایط کنونی در جامعه در برخورد با این ویروس وجود دارد. بسیاری از پرستاران و پزشکان و حتی مردم عادی خود دست بکار شدند و با امکانات ضعیف خود در مقابل این ویروس اقدامات مدنی و اجتماعی شایسته و درخور تحسینی انجام داده‌اند. آیا ابتکار مردم و فعالیت‌هایی این چنینی تاثیری بر دولت‌مندان داشته است، بطوری که این بحران را جدی بگیرند و برای مردم کار مثبتی انجام دهند؟

پاسخ: دولتمردان چیز زیادی ندارند که در اختیار کادر درمان قرار دهند. از همان ابتدا تعزیرات وارد میدان شد و به انبارهای شرکت‌های دارویی سر زد و اقلام احتکار شده را ضبط کرد، ولی نیاز به اقلام بسیار بالاست و ما در تحریم بسر می‌بریم. اپیدمی وسیع و بسیار گسترده است، نیاز به شدت بالاست. ضمن اینکه مردم ناچار به حضور در جامعه برای امرار معاش هستند و به طبع آن مصرف اقلام پیش‌گیری مثل ضدعفونی‌کننده‌ها و دستکش و ماسک بسیار بالاست. با این وجود پزشکان و پرستاران ما از جان مایه گذاشتند و فداکاری‌هایشان بی‌نظیر است. ملت وقتی می‌بیند که کسی به دانش نمی‌رسد، خودش آستین‌ها را بالا می‌زند و برای نجات جان خود و هم‌وطنانش حماسه می‌آفریند. همین فعالیت‌های مردم سبب شده که دولت‌مردان قدری به خودشان بیایند و دست به اقداماتی بزنند. مردم در شرایط بسیار سختی بسر می‌برند که زبانه قاصر از بیان آن است.

پرسش: سازمان ملل متحد به آمریکا پیشنهاد داده است که موقتا

تحریم‌ها علیه ایران بویژه تحریم‌های پزشکی و دارویی را لغو کند، تا مردم ایران بتوانند از سلامت خود دفاع کنند. آمریکا این پیشنهاد را رد کرده است. نگاه جامعه پزشکی و متخصصین ایران و کلاً مردم ایران به سیاست تحریم‌های غیرقانونی آمریکا در شرایط کنونی چیست؟

پاسخ: مردم در حال حاضر به دو چیز فکر می‌کنند: چطور در شرایط بحران اقتصادی و کساد ناشی از این اپیدمی هزینه‌های زندگی را تأمین کنند و چگونه از خانواده‌های خود در برابر این ویروس محافظت کنند. امروز در صحبت‌های مردم بیشتر سرزنش دولت و حکومت بخصوص قشر خرافاتی و پُر ادعای آن دیده می‌شود، چون سال‌هاست مردم از ناحیه تحریم‌ها دارند ضربه می‌خورند. چشم امید مردم به جامعه علمی کشور است. بخشی از مردم آگاه، که قدرت تحلیل از مسائل را دارد، از فشار تحریم‌ها مطلع است و نگاه کاملاً منفی به سیاست‌های آمریکا دارد، اما همه اینطور نیستند و مستقیماً نظام را مورد خطاب قرار می‌دهند. نگاه جامعه و متخصصین و تحصیل کرده نسبت به تحریم‌های اقتصادی همواره روشن بوده است، زیرا در عمل شاهد بوده‌ایم که تهیه دارو برای بیماران بسیار مشکل است و تازه اگر هم بتوان آنرا تهیه کرد، بسیار گران تمام می‌شود. امروز متأسفانه هیچ آمار دقیقی از مرگ و میر بین کودکان و مردم ضعیف، که از تحریم‌ها آسیب دیده‌اند، در دست نیست. وضعیت مردم ما امروز یادآور دوره تحریم‌های کشور عراق است. سیاست آمریکا در قبال مردم ایران بسیار خبیثانه و بی‌رحمانه است و مورد حمایت مردم نیست.

پرسش: آیا آمار دقیقی در ایران در مورد تعداد جان‌باختگان و افراد آلوده به این ویروس انتشار یافته است. تا به چه اندازه می‌توان به آمار و گزارشات رسانه‌های دولتی اعتماد کرد؟

پاسخ: آمارها ابدأً دقیق نیستند! طبیعی است که آمار دقیق منتشر نمی‌کنند، چون می‌ترسند که موجب وحشت مردم شود. و البته اقدامات آموزشی را آغاز کرده‌اند، ولی میزان آموزش و اطلاع‌رسانی ضعیف است و باید هماهنگی‌ها را بیشتر کرد و اعتماد مردم را جلب نمود. تا به داد مردم نرسند، امکان جلب اعتماد نیست. وقتی مردم ناراضی باشند و دولت هم اطلاعات و آمار درستی در اختیار ملت قرار ندهد، آن زمان ملت به رسانه‌های خارجی رو می‌آورد و این به زیان کشور است. زیرا رسانه‌های خارجی آلودگی‌های خودشان را دارند و به فکر منافع خودشان هستند. اطلاعات این رسانه‌ها خیلی غلوآمیز است و حتی اگر کار مثبتی در ایران صورت بگیرد، آنرا نمی‌کنند و همه مسائل را به سیاست حاکمیت ربط می‌دهند. در حالی که مردم مسئله‌شان چیز دیگری است و ناچارند در چارچوب نظام و امکانات موجود خواسته‌های طبیعی خود را طرح کنند. بسیاری از کارها خارج از نظام صورت می‌گیرد و نهادهای مدنی و تخصصی نقش نسبتاً خوبی در جامعه بازی می‌کنند. و کشور بدون این نهادها نمی‌چرخد. با سپاس از اینکه گفتگو با ما را پذیرفتید. برایتان موفقیت و پیروزی آرزو می‌کنیم.

هیات تحریریه توفان ۲۰ اسفند ماه ۱۳۹۸



کرونا، سیاست‌های نتولیبرالی و جهان پس از پیروزی بر کرونا:

بروز اپیدمی کرونا ثابت کرد که دولت‌های «پیشرفته‌ترین» و «مدرن‌ترین» کشورهای غربی، توان مقابله فوری با شیوع این بیماری را ندارند، چرا که سال‌هاست دولت‌های نتولیبرالی همزیستی و تعمیم بهداشت عمومی را بیشتر به بخش خصوصی واگذار کرده بودند.

امروزه در حقیقت بیمارستان‌ها به «شرکت‌های پزشکی» تبدیل شده‌اند. ناتوانی دولت‌ها نیز از همین روست و نتایج اجتناب‌ناپذیر سیاست‌های غلط دولت‌های نتولیبرالی بود. دولت چین با اقتدار و با استفاده از فرهنگ نهادینه شده همکاری و کلکتیو دوران گذشته توانست مدیریت این بحران را چه از نظر مالی و چه از نظر تأمین نیازهای عمومی برعهده گیرد و مردم نیز با اعتماد به توانایی دولت، که از پس این مشکلات برخوردار آمد، سه ماه قرنطینه را تحمل کردند. در هیچیک از زمینه‌های فوق نمی‌توان نمونه‌ای در کشورهای غربی مشاهده کرد.

سیاست جهانی شدن سرمایه و مسافرت‌های بی حد و حصر در سراسر جهان نه تنها باعث شیوع سریع ویروس کرونا بود، بلکه بسیار از «بیماری‌های اجتماعی و اقتصادی» ناشی از پذیرش سیاست‌های «بازار آزاد» را نیز به ارمغان آورد، از جمله گسترش فقر، ناعادالتی‌های اجتماعی و اقتصادی، نارسایی‌ها و کمبودها و فسادهای اقتصادی مزمن که عواقب وحشتناکی در زمینه توسعه کشورها، بیکاری‌های ناشی از آن و عمیق شدن شکاف‌های آموزشی و رشد بنیادگرایی مذهبی به دلیل رشد نابرابری‌ها و رشد نژادپرستی... از اینرو است که بسیاری از ناظران اقتصادی نتولیبرال بیم دوران «پسا کرونایی» را دارند. در حالی که هنوز زمان زیادی از اعلام وضعیت فوق‌العاده در آمریکا نمی‌گذرد، ۳ میلیون کارگر در آمریکا بیکار شده‌اند. سازمان بین‌المللی کار اعلام کرده است که بیم آن می‌رود پس از پیروزی علم بر کرونا، ۲۵ میلیون نفر به تعداد بیکاران جهان

افزوده شود. این رقم حتی ۲۲ درصد بیش از تعداد بیکاران پس از ورشکستگی بانک‌ها طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۸ در جهان خواهد بود!

جهانی که از دهه ۸۰ تاکنون متناوباً در بحران به سربرده در هر بحرانی همواره بهداشت؛ آموزش و پرورش؛ آموزش عالی و رفاه اجتماعی قربانیان حذف سرمایه‌گذاری دولتی و کاهش یارانه‌ها بوده‌اند. صاحبان صنایع و کنسرن‌ها و بانک‌ها چنان قدرتی دارند که در تمامی این سال‌ها تلاش داشتند تا انباشت سرمایه و سودهای حاصله از آنرا موجه جلوه دهند و حتی نابودی محیط‌زیست هم نتوانست انگیزه‌ای شود تا دست آنان در غارت جهان و منابع طبیعی بدون توجه به آینده دور خواست نظارت دولت‌ها را تقویت کند.

نتولیبرالیسم از دهه هفتاد با شعار پوپولیستی «آزادی انتخاب» در اقتصاد بازار آزاد و عدم محدودیت رقابتی را کلید «راز کارآیی و توزیع عادلانه» خود به جهانیان معرفی کرد! علاوه بر این، نتولیبرالی با ساده‌سازی علت مشکلات فزاینده خود، مانند بیکاری، ناعادالتی‌های اقتصادی و اجتماعی، اختلاف سطح درآمد‌ها و دستمزدها، بی‌حرکی رشد اقتصادی و یا حتی رکود اقتصادی و... را مداخله دولت‌ها جلوه داده است. آنها معتقدند هرگونه فعالیتی، در هر زمینه‌ای، حضور و مدیریت بخش خصوصی نتایج مطلوب‌تری را تضمین می‌کند. نتایج اجتماعی حاصل از سیاست‌های ناعادلانه آنها هرگز و در هیچ شرایطی برایشان مهم و عمده محسوب نشده است. یکی از زمینه‌هایی که سرمایه‌گذاری‌های خصوصی طی دهه‌های گذشته مورد هدف گسترده نتولیبرالیسم قرار گرفت، بهداشت جهانی بود. شعار حق استفاده از بهداشت و درمان عمومی در دنیا، پرچم دروغین این شایان بود چرا که در کشور ژاندارم جهان، آمریکا، این اصل قانونی اساساً به رسمیت شناخته نشده است. بهترین سند بر این ادعا برملا شدن کاستی‌های جدی و وحشتناک حاکم بر سیستم مراقبت‌های بهداشتی و درمانی آمریکا و جهان با بروز کرونا بود. در آمریکا، ثروتمندترین و مدرن‌ترین کشور جهان، بیش از ۳۰ میلیون نفر تحت پوشش بیمه درمانی نیستند و ۴۰ میلیون دیگر تقریباً تنها در شرایط بسیار شدید و بد می‌توانند به بیمه‌های خود دسترسی داشته باشند.

ویران‌بودن سیستم بهداشت جهانی خصوصاً در کشورهایی که تا دیروز به سیستم درمانی خود می‌بالیدند و با آن فخر می‌فروختند با شیوع ویروس همه‌گیر کرونا و ترس میلیون‌ها نفر از عدم توانایی پرداخت هزینه‌های ویزیت پزشکان، کمبودهای دارویی و تجهیزات پزشکی، ملموس‌تر شد. برای نمونه مشکل تخت خواب در بیمارستان‌های ایتالیا. در گذشته به ازای هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر، ۵۷۵ تخت در نظر گرفته شده بود و امروز این مقدار تخت به ۲۷۵ عدد کاهش یافته است. مشابه این

اتومبیل‌های برقی و انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری از انرژی نو... خاری بود در چشم آمریکا و اروپا. ضمناً برای اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم دولت آمریکا به برخی کارخانه‌ها دستور داد که تولیدات خود را متوقف کرده و وسایل مورد نیاز را تولید کنند. در اروپا نیز دولت‌ها به برخی کارخانه‌ها، دستور تولید وسایل و مواد لازم در جنگ با کرونا را صادر کردند که سودی کلان برایشان به بار خواهد آورد.

ویروس کرونا در عین حال که قربانیان زیادی در سراسر جهان گرفت، ضربه‌ای وحشتناک نیز بر پیکر نئولیبرالیسم وارد آورد و پایان افسانه «خوشبختی زیر سایه نئولیبرالیسم» را به گوش جهانیان رسانید. ویروس کرونا خط بطلانی بر مکانیسم واکنش بازار بر عرضه و تقاضا کشید و نشان داد که تنها با وساطت و مداخله جدی دولت‌ها این بحران قابل کنترل خواهد بود. و دور جدیدی از تعامل مخالفان با مدافعان خصوصی‌سازی بهداشت درمانی آغاز گشت.

سراب کاپیتالیسم، که تحت هر شرایطی می‌تواند پیروز شود، با بروز جنگ با کرونا درهم شکست. این تصویر بی‌عیب و نقصی که برای مردم دنیا از سیاست‌های موفقیت‌آمیز نئولیبرالی ساخته بودند، خرد شد و درهم شکست. پس از کرونا و پایان «وضعیت فوق‌العاده»، بحث «بدهی ملی و راه کارهای دولت‌ها» آغاز خواهد شد. از اینرو دوران «پسا کرونا» باید به بحث عدم پرداخت بدهی‌های خارجی دامن زد در غیر این صورت کشورهای زیادی به ورطه نابودی کشیده خواهند شد.

پسازلزله سرمایه‌داری در راه است و در چند سال آینده خود را نمایان خواهد ساخت. یکی از چالش‌ها نقش فردگرایی و جمع‌گرایی در بروز و حل بحرانی چون کرونا خواهد بود و نکته دیگر اهمیت انسان در جوامع سرمایه‌داری است. آیا در بحرانی چون کرونا دولت‌ها باید انسان را قربانی سود سرمایه کنند یا آنکه انسان‌ها و جان انسان‌ها سرمایه اصلی جامعه هستند؟

نباید تردید داشت که دلسوزی‌های دولت‌ها برای جان انسان‌ها حقیقی نبوده و نیست. اگر حقیقی می‌بود، می‌بایست به کمبودها رسیدگی می‌شد و اکنون هم به جای نجات «وال استریت» باید فکری برای بیکاران حاصل از ظهور کرونا می‌شد. اگر این بشردوستی‌ها واقعی بود، هر ۱۱ ثانیه یک کودک یا زنی باردار در گوشه‌ای از جهان نمی‌مُرد. اگر «انسان» برای سیستم سرمایه‌داری مهم می‌بود، جنگ‌ها مخرب و بی‌حاصل به راه نمی‌انداختند و در دنیا تلی از کشته‌ها از خود به جای نمی‌گذاشتند و میلیون‌ها نفر دیگر را آواره نمی‌کردند. عالمی دیگر به‌باید ساخت و ز نو آدمی! تنها بدیل انسانی و راه نجات بشریت از شر خطرناک‌ترین نوع ویروس، یعنی ویروس سرمایه‌داری امپریالیستی، سوسیالیسم است. •

امر در اسپانیا نیز به شکل دل‌خراشی به چشم می‌خورد. بحران بهداشت و درمان فعلی ثابت می‌کند که عدم نظارت و کنترل مستقیم دولت تا چه حد به امکان استفاده درمان عمومی آسیب رساند.

آنچه نئولیبرالیسم در سیستم بهداشتی در کارنامه خود به ثبت رسانده است: کمبود تجهیزات و امکانات پزشکی در شرایط بحران، خصوصاً در شرایط کنونی از جمله دستگاه‌های تنفسی، کمبود بیمارستان‌ها و نتیجتاً کمبود تخت برای بیماران، پزشکان و پرستاران و کادر درمانی هم تصادفی نیست، بلکه حاصل کاهش بودجه سالیانه بهداشت در سیستم نئولیبرالی طی سالیان گذشته است. درآمد و شرایط کار پرسنل پزشکی و پرستاری باعث شد که تعداد کمتری علاقمندی به این شغل نشان دهند یا به دیگر کشورها بروند. هرچند باید خاطر نشان ساخت که این کاهش بودجه مانع احداث ساختمان‌هایی شبیه هتل‌های لوکس با هدف تبلیغاتی نشد! چرا که این امر با کیفیت رسیدگی به مسائل سلامتی انسان‌ها ارتباط نداشت.

امروزی توان تأسف خورد به فرصت‌های ازدست‌رفته برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تحقیقات پزشکی که با وجود ورشکستگی سیستم بهداشت و درمان جهانی، شرکت‌های بیمه و آزمایشگاه‌های فراملی سودهای کلان را به حساب‌های خود در بهشت کشورهای مالیاتی واریز کرده‌اند. اما مگر امر درمان عمومی، نجات جان انسان‌ها و تضمین سلامتی نمی‌بایستی بر سودآوری الویت می‌داشت؟

امریکا که سال‌هاست با شیوع سرماخوردگی‌های فصلی و آنفولانزاهای سالانه ظرفیت‌اش در مدت کوتاهی تقریباً پر می‌شود، امروز توان مقابله با بحران پیش‌بینی نشده کرونا را در سیستم بهداشت و درمانی خود ندارد. در کشورهای اتحادیه اروپا نیز ثابت شد که آنها توان پیشبرد یک سیاست مشترک در برابر میلیون‌ها نفر را که به زودی مشاغل خود را از دست خواهند داد، بسیاری از تولیدکنندگان و شرکت‌های کوچک با کوهی از صورتحساب‌های پرداختی روبرو خواهند شد و در این شرایط وانفسا هر کشور به فکر سود خود است. آنان که اتحادیه اروپا را به کشتی‌ای که یک هدف مشترک را باهم دنبال می‌کنند، تشبیه کرده بودند، امروز که کشتی‌شان در حال غرق شدن است، سکوت برگزیده‌اند.

برخی این روزها سوال می‌کنند: آیا کرونای جدید ساخته و پرداخته آزمایشگاه‌هاست؟ ما امروز نمی‌دانیم و نمی‌توانیم با قطعیت نظر دهیم. اما آنچه ما با اطمینان می‌دانیم و می‌توانیم بیان کنیم «جنگ تجاری» جدی مابین چین و امریکاست. امریکا نیاز فوری و مبرم داشت که پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی چین را خنثی سازد. خصوصاً در زمینه ساخت و تولید تلفن‌های هوشمند و موبایل، تبلت، کامپیوترهایی که در زمینه‌های مختلف مانند انسان هوشمندانه عمل می‌کردند،

بحران کرونا خطایی بس بزرگ انجام داد و آن هم عدم جدی گرفتن این بیماری بود. حکومت می‌توانست ضمن تلاش برای کنترل ویروس کرونا نسبت به قرنطینه قم، بستن مساجد، امام زاده‌ها، لغو نماز جمعه‌ها و... اقدام کند و نشان دهد که مشکل و درد مردم را جدی گرفته است. همچنین می‌توانست با شفاف‌سازی به مردم آرامش دهد. حال برگردیم به پاسخ سوال فوق. دولت که با کشتار آبانماه ۱۳۹۸ و شلیک اشتباه به هواپیمای مسافربری اوکرائینی خشم بی‌اندازه مردم را برانگیخته بود، درست در لحظه مهم که می‌بایست تدارکات و هماهنگی ایجاد کند و جان مردم را محافظت کند، غیب شد. اما شاید می‌بایست این سوال مطرح شود که آیا اساساً حاکمیت با دین درهم تنیده ایران می‌توانست خلاف اعتقادات و باورهای مذهبی خود جز این عمل کند؟ رژیم چگونه می‌توانست قم را قرنطینه کند یا نماز جمعه‌ها و مساجد را تعطیل نماید؟ مراجع دینی چگونه می‌توانستند به مردم توضیح دهند امام زاده‌ها که می‌بایستی مریضان را شفا دهند، حال به کانون‌های مرگ تبدیل شده‌اند؟ آخوندها چگونه می‌توانستند بگویند مجالس کسب معنویت الهی دیگر به آدمی کمک نمی‌کند تا بر مشکلات فائق آید؟



چه شد که الکل آزاد شد و امام‌زاده‌ها هم لبی‌تر کردند؟

اما دقیقاً در همان لحظه که حاکمیت با خود و دستورات دینی درگیر بود، متخصصان و مردم وارد صحنه شدند. پزشکان و ویروس‌شناسان تذکر دادند و درخواست کردند اماکن عمومی، خصوصاً زیارت‌گاه‌ها و امام‌زاده‌ها با الکل ضدعفونی شوند. مردم نیز با اعتماد به علم و متخصصان صدای اعتراض‌شان بلند شد و سرانجام، فشار مردم به دولت منجر به تعطیل شدن زیارت‌گاه‌ها و امام‌زاده‌ها شد. برخی به شوخی می‌گفتند: «این ویروس با ماست: الکل را آزاد کرد، نماز جمعه را تعطیل». در این مزاح مردم تحول بزرگ پیروزی علم و دانش بر تحجر فکری رژیم سرکوب‌گر را بیان می‌کردند. امام‌زاده‌هایشان هم در میدان مبارزه با علم شکست خوردند. پیروزی علم، رژیم را دچار وحشت کرد. بنیان دیکتاتوری مذهبی متزلزل شد. امام‌زاده‌ها حتی به کمک رژیم هم نتوانستند بیایند!

پس از این شکست آخوندهای زرنگ تلاش کردند بازی را به نفع خود عوض کنند و آنچه را که هنوز برای نجات باقی مانده بود، نجات دهند. خبرنگاران‌شان مطلب نوشتند و آیت‌الله‌ها در تلویزیون ظاهر شدند. دیگر صحبت از «روغن بنفشه» نبود. تبلیغ کردند که دین اسلام بر علم و تعقل تکیه دارد و حفظ جان انسان امری واجب است و ضرر به دیگران حرام است، لذا می‌بایست از مریض کردن خود و دیگران پرهیز کنند. در واقع از طرف مراجع مختلف تأکید شد که هیچ اقدامی نباید بدون پشتوانه علمی باشد و خرد عمومی را تحت تاثیر قرار دهد. بدان معنا که نباید شورش مذهبی ایجاد شود و باید به دولت اجازه داد مساجد و امام‌زاده‌ها را تعطیل کند و هیچ‌گدرهم‌آیی مذهبی و نماز جمعه‌ای هم برگزار نشود.

کرونا زمانی در ایران شیوع پیدا کرد که موج نارضائی‌ها، ناعدالتی‌ها و فساد مالی در ایران بی‌داد می‌کرد؛ زمانی که مردم رویارویی آبانماه ۱۳۹۸ با رژیم را پشت سر گذاشته بودند و با سرکوبی وحشیانه از سوی رژیم روبرو شده بودند. کرونا زمانی شیوع یافت که بسیاری از خانواده کشته‌شدگان پرواز اوکرائینی هنوز در شوک و سوگ از دست دادن عزیزانشان بودند. واپسین روزهای بهمن ماه ۱۳۹۸ بود. از آن لحظه نه تنها هم‌میهنان‌مان با این ویروس کشنده دست و پنجه نرم می‌کردند، بلکه به ناگهان موج شایعات دشمنان ایران هم فشاری مضاعف بر گرده این مردم رنج دیده گشت. مواجب بگیران اینترنتی سعی کردند روحیه مردم را تضعیف کنند و زمینه حفظ اعمال فشار امریکا تداوم بخشند. هر چند نمی‌دانستند که این ویروس به زودی دامن ارباب‌شان را هم می‌گیرد. این مزدوران به رغم آگاهی بر تأثیر فاکتور استرس در مبارزه با ویروس کرونا، هر روز استرسی بیشتر برای مردم فراهم می‌ساختند. اما بعد از آنکه موفقیتی کسب نکردند فشارها را بر دولت امریکا بیشتر کردند که مبادا تحریم‌ها علیه ایران «شل» بشود. سخن کوتاه کنیم از هیچ کاری برای آسیب‌رساندن به مردم ایران دریغ نکردند.

اما کرونا در ایران از کجا شروع شد؟ کرونا از قم شروع شد. از شهر حرم و امام زاده‌ها و مسجدها. مردمی با باورهای مذهبی از خود سوال می‌کردند حرمی که دارالشفای محسوب می‌شد، چرا به مرکز بیماران و شیوع ویروس مبدل شده است؟ به جا می‌بود اگر کسی می‌پرسید دولت در این میان چه می‌کرد و کجا بود؟ پیش از پاسخ به این سوال، باید گفت که رژیم در گسترش



پاسخ به یک پرسش کلیشه‌ای؛

«چرا روز جهانی زنان مهم

است؟»

امتداد- گروه جامعه: سئوالات کلیشه‌ای، تیریک‌های سانتی‌مانتال و جوک‌های نخ‌نما شده و جنسیتی، بخش لاینفکی از روز جهانی زنان است. خیلی از کسانی که می‌خواهند فعالیت بخشی از زنان آگاه را زیر سؤال ببرند، همواره با پوزخندی تلخ، در معابر اینترنتی ایستاده‌اند و سؤال می‌کنند: اصلاً چرا روز مرد نداریم؟ این خودش یک تبعیض است.

این سؤال هر چند برای به ریشخند گرفتن فعالیت زنان است، اما می‌تواند سئوالی کلیدی و مهم باشد. هر چند روز جهانی برای مردان نیز وجود دارد و مصادف با ۱۹ نوامبر است. اما چه اشکالی دارد که یک روز، تنها یک روز وجود داشته باشد تا زنان با پلاکاردهایی که در دست می‌گیرند درباره تبعیض‌ها حرف بزنند. زنانی که اتفاقاً دل‌شان نمی‌خواهد این روز و واقعیت وجودی آن پشت دسته گل‌های پر زرق و برق پنهان شود، بلکه از قضا می‌خواهند در این روز تمامی جهان به صورت جدی به واژه تبعیض بیندیشند. شاید بشود فلسفه وجودی روز جهانی زن را در چند مورد جهانی از یکسو و موارد تبعیض‌آمیز داخلی از سوی دیگر قیاس کرد؛ هر قدر که مسأله تفاوت پرداخت دستمزد و شکاف میان زنان و مردان به نظر عده بسیاری هیاهو و داد و بیداد بی‌خود فعالان زنان باشد، اما آمارها نشان می‌دهد براساس گزارش «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»، زنان در سراسر جهان در پست‌های تمام وقت به طور متوسط ۱۵ درصد کمتر از هم‌تایان مرد خود دستمزد دریافت می‌کنند. براساس آمار جهانی ۹۰ درصد از قربانیان خشونت خانگی زنان و

آخوندهایی وارد میدان شدند و از مذهبیان افراطی درخواست کردند، به تمرکز مدیریت احترام گذارند و از تعدد مراکز تصمیم‌گیری خودداری کنند. به عبارتی یعنی مذهبیون افراطی و مراجع دینی در کار دولت دخالت و کارشکنی نکنند. این آخرین تلاش سیستم از سر درماندگی بود.

نکته دیگر مدیریت مردم بود. مردم که در هیچکدام از حوادث طبیعی سال‌های پیش حضور پررنگ دولت را حس نکرده بودند، عملاً با ابتکارات خود، مدیریت بحران را برعهده گرفتند. این مردم بودند که خرافات و ناتوانی سیستم را آشکارتر ساختند. مردم گام به گام راه را به دولت نشان دادند و کل نظام را مجبور به عقب‌نشینی کردند!

مردم زجرکشیده و باهوش ایران این فاجعه و مصیبت فراگیر را به فرصتی بدل ساختند و باری دیگر در تاریخ پرتلاطم ایران، اتحاد و همبستگی و همیاری را با هم به نمایش گذاردند. زمانی که در کشورهای «متمدن» مردم بر سر کاغذ توالی کتک‌کاری می‌شد، مردم در اقصی نقاط کشور هر کس گوشه‌ای از کار را گرفت. برخی به کمک کادرهای بیمارستانی و پزشکان، شتافتند و تلاش کردند که وسایل مورد نیاز هر چه زودتر به دست‌شان رسیده شود. کشوری که تحریم‌ها بی‌چاره‌اش کرده است و مرزهای کشورها برای جلوگیری از شیوع بیماری کرونا بسته است، این کار مردم، کاری بس بزرگ بود. برخی پخت‌وپز برای کادر بیمارستان را برعهده گرفتند و بدین وسیله از زحمات بی‌دریغ آنان قدردانی کردند. در برخی استان‌های شمالی و جنوبی مردم راه‌ها را بستند، تا مانع از ورود مسافران شهرهای دیگر و بحرانی‌تر شدن شرایط موجود شوند. مردم ایران در این شرایط سخت کنار هم ماندند. بسیاری قرنطینه را رعایت کردند و تلاش کردند تا اهمیت این امر را به دیگران نیز از طرق مختلف توضیح دهند. ضمن اینکه به دولت در مورد وضعیت سخت کارگران و زحمتکشان، که از هیچ‌گونه پشتوانه مالی برخوردار نیستند، فشار آوردند. همبستگی مردم چنان شد که مالکین املاک اعلام کردند که کرایه‌های دو ماه آینده را نمی‌گیرند یا فرصت بازپرداخت کرایه‌های عقب‌افتاده را به مستاجران خواهند داد. برخی در دنیای مجازی تعریف می‌کردند که در همسایگی خود به خانواده‌های تنگدست آذوقه و مواد غذایی ویتامین‌دار در این دوران سخت می‌رسانند و دیگران را نیز تشویق به این کار می‌کردند.

مردم پس از سال‌ها بار دیگر تجربه کردند که با متشکل کردن نیروی خود، اتحاد و همکاری مشترک می‌تواند دشمن مشترک را به زانو درآورند.

باید در برابر خُسن همکاری و همیاری این ملت نسبت به یکدیگر سر تعظیم فرود آورد. آگاهی، اتحاد و همبستگی مردم ایران ضامن پیروزی است!



«سعید لیلاز»، استاد «دانشگاه شهید بهشتی» در گفت‌وگو با «نفت خبر» در مورد کاهش قیمت نفت و تأثیر آن بر ایران

«آسیب عربستان و روسیه از کاهش قیمت نفت بیشتر از ایران است. کرونا به اقتصاد ایران ۲۰ الی ۳۰ میلیارد دلار آسیب می‌زند. سخت‌ترین دوران اقتصادی تاریخ معاصر را در چند ماه آینده خواهیم داشت. کارگران غیرمتشکل شهری بیشترین آسیب را دیده‌اند. کرونا ایران را به سمت سکولاریسم پرتاب کرد» به سخنان سعید لیلاز تحلیل‌گر اقتصادی در زمینه کاهش قیمت نفت و تبعات آن بطور مشخص در ایران توجه کنید:

«سعید لیلاز»، تحلیل‌گر اقتصادی، در گفت‌وگو با «نفت خبر» با اشاره به کاهش قیمت نفت پس از بحران کرونا گفت:

«وضعیت نفت طوری است که از سقوط قیمت نفت ناخرسند نیستیم. کاهش قیمت نفت به ایران آسیب می‌زند، ولی به سایر صادرکنندگان نفت بیشتر آسیب وارد می‌کند. ایران الان اصلاً صادرکننده قابل‌اعتنایی نیست، چون بیشتر فرآورده و محصول پتروشیمی صادر می‌کنیم، نه نفت خام».

عربستان بیشتر آسیب می‌بیند

«لیلاز» ادامه داد:

«کاهش ۲۰ دلاری قیمت نفت به ایران روزی ۱۰ الی ۱۲ میلیون دلار آسیب می‌زند، ولی عربستان روزی ۲۰۰ الی ۲۵۰ میلیون دلار آسیب می‌بیند، یعنی ۲۰ برابر ایران. عراق هم ۸ الی ۱۰ برابر ایران آسیب می‌بیند. قطعاً کاهش قیمت نفت فشار به ما را تشدید می‌کند، اما فشار به عربستان، روسیه و عراق به مراتب بیشتر ماست».

کرونا به اقتصاد ایران ۲۰ الی ۳۰ میلیارد دلار آسیب می‌زند
«لیلاز» در خصوص پیامدهای اقتصادی بحران کرونا گفت:

حدود ۱۰ درصد مردان هستند. آمار خودکشی در زنان دوبرابر مردان است. در هر ۱۸ ثانیه در سطح جهان یک زن می‌میرد. براساس آمار بهداشت جهانی در هر ۱۸ ثانیه یک زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می‌گیرد. زنان در آفریقای سیاه (مناطق جنوب صحرائی بزرگ آفریقا) و حوزه کارائیب ۸۰ درصد و به طور کلی در جهان بیش از ۵۰ درصد محصولات غذایی اصلی را تولید می‌کنند. آن‌ها دوسوم از کارهای جهان را انجام می‌دهند، اما فقط ۱۰ درصد درآمد جهان و یک درصد از ابزار تولید را در اختیار دارند. زنان در خانه بار کارهایی را بر دوش می‌کشند که هیچ دستمزدی در ازای آن نمی‌گیرند. ۶۲ میلیون دختر در سراسر جهان از تحصیل محروم‌اند. در ۲۲ کشور جهان، مادرانی که ازدواج کرده‌اند، نمی‌توانند تابعیت خود را به فرزندان‌شان منتقل کنند. ۳۰ کشور قوانینی دارند که بر اساس آن مرد رئیس‌خانه محسوب می‌شود. از هر سه فقیر بزرگسال، دو نفر زن هستند. حتی در ثروتمندترین کشور جهان یعنی آمریکا، فقیرترین افراد را زنان بچه‌دار تشکیل می‌دهند. به ازای هر یک دلار که یک مرد سفیدپوست به دست می‌آورد، یک زن آفریقایی - آمریکایی ۶۴ سنت و یک زن آمریکایی لاتین ۵۶ سنت کسب می‌کند. بر اساس آمار سال ۲۰۱۶، تنها ۵۷ درصد از زنانی که در سن کار هستند، کار دارند؛ این رقم در مردان ۷۰ درصد است.

در بسیاری از کشورها، زنان پس از بیوه‌شدن، با انکار و عدم پذیرش ارثیه آنها و حقوق مالکیت زمین، عزاداری‌های سنتی برای فرزندان و تهدید به زندگی، مراسم‌های تدفین سنتی و سایر اشکال سوءاستفاده از آنها روبه‌رو می‌شوند. در ۲۹ کشور جهان، قانون به زنان اجازه نمی‌دهد شب کار کنند و ۴۱ کشور آن‌ها را از برخی کارهای تولیدی بازمی‌دارد؛ مثلاً در روسیه زنان از ۴۵۶ شغل منع شده‌اند. ۱۵۵ کشور جهان، دست‌کم یک قانون دارند که زنان را از دستیابی به فرصت‌های اقتصادی بازمی‌دارد. در ۱۰۰ کشور، زنان با محدودیت‌های شغلی مواجه‌اند و این قوانین معمولاً زنان را به مشاغل کم‌درآمد محدود می‌کند. قانون ۱۸ کشور به مردان این حق را می‌دهد که زنان‌شان را از کار در بیرون از خانه منع کنند.

زنان ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ سهم زنان از بازار کار ایران کمتر از ۲۰ درصد است. آخرین گزارش مرکز آمار ایران درباره وضعیت بیکاری زنان در ایران نشان می‌دهد که در تابستان امسال سهم زنان از بازار کار کمتر از ۲۰ درصد بوده است. در حالی که بیکاری آنان در این فصل بسیار بیشتر از مردان و بیش از ۱۸ درصد گزارش شده است. شاید برایتان جالب باشد اگر بدانید در خانوارهای روستایی اکثر زنان شاغل هستند، اما حقوقی دریافت نمی‌کنند! چرا؟ چون آن‌ها برای همسران، پدران و اقوام خود کار می‌کنند و حقوق را مرد خانواده دریافت می‌کند. آن‌ها در کنار کار اجباری در مزارع و بیرون از منزل، برای کار خانگی نیز حقوقی دریافت نمی‌کنند.



نکات مهمی درباره مقابله با کرونا از برلین، از زبان یک کارشناس آلمانی

دکتر Christian Drosten، رئیس بخش ویروس‌شناسی بیمارستان شاریته برلین و پرفسور دانشگاه، در مصاحبه دیروز و امروزش با رادیوی شمال می‌گوید، علت اینکه مردم بر اثر کرونا می‌میرند، خطرناک بودن این بیماری نیست. نبودن امکانات است. امکانات حتی در جوامع پیشرفته و مدرن هم کم است. چون هیچ دولتی نرفته از قبل برای یک روز مبادایی که پاندمی رخ می‌دهد، هزار تا بیمارستان بسازد. در ثانی سنگی که با برداشتنش سیاست‌های صرفه‌جویی اقتصادی اتخاذ و باعث کاهش تعداد پرسنل بیمارستان‌ها شد، الان روی پای جامعه افتاده است. شما نمی‌توانید وقتی حال‌تان خوب بود و به نفع شما نبود، پرستارها را بیکار کنید، الان جادو کنید و خیل پرستار پیدا کنید. نمی‌شود. جامعه امکانات ندارد.

ایشان می‌گوید: البته هشتاد درصد مردم این بیماری را می‌گیرند و رد می‌کنند. برای بیست درصد بقیه هم فقط سه تا چهار درصد به دلیل نبودن امکانات می‌میرند نه صرفاً به دلیل کهولت سن و ضعیف بودن سیستم ایمنی بدن. اگر این بیماری را مردم جوری می‌گرفتند که کم بود، جوری که امکانات فعلی از پس این برمی‌آمد که سه روزی که یک عده به شیوه سختی نفس می‌کشند، می‌شد به همه دستگاه اکسیژن وصل کرد، می‌شد همه را تحت نظارت داشت، این همه کشته نمی‌شدند. لذا تمام فلسفه قرنطینه این است. ما قرنطینه نمی‌کنیم با رویای اینکه گویا می‌شود جلو ویروس را گرفت. چون نمی‌شود جلوی‌ش را گرفت. مگر می‌شود جلو آنفلوآنزا را گرفت؟ ما صرفاً به این خاطر قرنطینه می‌کنیم که در لحظه مناسب خودش ویروس را بگیریم. خودمان تعیین کنیم، کی بگیریم. قرنطینه هیچ وقت جلوی ویروس را نمی‌گیرد. فقط حرکتش را کند می‌کند. کندشدن حرکت‌اش باعث می‌شود

«کرونا ۲ الی ۳ درصد تولید ناخالص داخلی ایران را از بین می‌برد. معتقد هستم اقتصاد ایران بر اثر کرونا ۲۰ الی ۳۰ میلیارد دلار آسیب می‌بیند. آسیب کرونا به بخش خدمات ایران بسیار جدی است. سهم خرده‌فروشی و حمل و نقل و رستوران‌داری در GDP کشور بالاست و حدود یک چهارم اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهد که در اثر کرونا آسیب جدی دیده‌اند».

کرونا از لحاظ مبتلا کردن، دموکراتیک و نظر اقتصادی، طبقاتی عمل کرد

این اقتصاددان تأکید کرد: «شاغلان در بخش خدمات، گردشگری، خرده‌فروشی، حمل و نقل و رستوران‌ها از فرودست‌ترین اقشار اجتماعی هستند که به دلیل کرونا در معرض بیکاری قرار دارند. کرونا هر چقدر از لحاظ مبتلا کردن، دموکراتیک عمل کرد و همه اقشار جامعه (فقیر و ثروتمند) را مبتلا کرد، اما از نظر پیامدهای اقتصادی به شدت طبقاتی و علیه فقیرترین اقشار جامعه عمل کرده است».

کارگران غیرمتشکل شهری بیشترین آسیب را دیده‌اند

این استاد دانشگاه تأکید کرد:

«شدت و ژرفای بحران کرونا از نظر اقتصادی بر روی طبقات فرودست و طبقه کارگر به خصوص کارگران خویش‌فرما و کارگران غیرمتشکل شهری است و این قشر، بیشترین آسیب را دیده‌اند. فشار بر روی این اقشار به قدری زیاد است که برای درک ابعادش نیاز به پژوهش‌های جدی دانشگاهی است و در حال حاضر نمی‌توان برآورد دقیقی از خسارت وارده به این اقشار داشت».

وی ادامه داد: «باید بینیم وضعیت کنونی تا چه زمانی ادامه پیدا می‌کند؟ اگر تا نیمه اردیبهشت فروکش نکند تبعات اقتصادی بسیار بدی خواهد داشت»

وی افزود: «بهار، فصل سنتی تورم در اقتصاد ایران است. صادرات نفت کشور هم به پایین‌ترین میزان در تاریخ معاصر رسیده است. صادرات غیرنفتی مثل صادرات لبنیات و مواد غذایی بسیار کم شده و در مجموع صادرات غیرنفتی ایران ۲۰ درصد کاهش یافته است».

سخت‌ترین دوران اقتصادی تاریخ معاصر را در چند ماه آینده خواهیم داشت

این اقتصاددان تأکید کرد: «من هشدار می‌دهم که سخت‌ترین دوران اقتصادی تاریخ معاصر را در چند ماه آینده خواهیم داشت و حکومت باید سریعاً به فکر اقدامی جدی باشد. اما رفتار دولت نشان دهنده عدم انسجام است».

کرونا، ایران را به سمت سکولاریسم پرتاب کرد

استاد دانشگاه شهید بهشتی در پایان گفت: «دوران پساکرونا به لحاظ اجتماعی و فرهنگی از دوران پیشاکرونا بسیار متفاوت خواهد بود. معتقدم کرونا ایران را به سمت سکولاریسم پرتاب کرد.»

جا موجود است. تجربه این مدت ما نشان داده کسانی که این واکسن را می‌زنند به خاطر اینکه برای یک بیماری عفونی دیگری در ریه غشای ایمنی ایجاد می‌شود، همان غشا شاید کمک می‌کند که برای این عفونت ریه، مراحل بیماری ساده‌تر بشود.

ایشان می‌گوید: هر کسی واکسن آنفولانزا را نزده هم الان و هم برای تجدید آن در پائیز حتماً بزند.

در پاسخ به سؤال خبرنگار که می‌پرسد: مسأله ایتالیا را چگونه توضیح می‌دهید؟ چرا این همه در ایتالیا تلفات دادند؟ نوع ویروس متفاوت است؟ جریان چیست؟ پاسخ می‌دهد که اصلاً متفاوت نیست. ما در آزمایشگاه مطالعه کردیم. عیناً همین ویروسی است که ما در مونیخ داشتیم. ایشان می‌گوید ایتالیایی‌ها جدی نگرفتند. خیلی دیر اقدام کردند. ما جدی گرفتیم. تک به تک موارد را دنبال کردیم. اتوبان حرکت ویروس را قطع کردیم. ما از تجربه «ووهان» درس‌های خوبی گرفتیم. ایتالیا خیلی دیر متوجه شد. در ایتالیا افرادی به علت این بیماری مردند، دکتر در برکه مرگ آنها نوشته بود آنفولانزا داشتند.

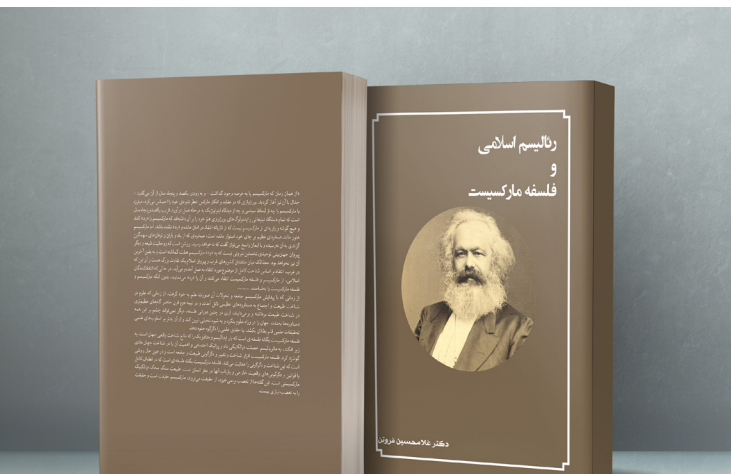
پرفسور دکتر دروستن می‌گوید: برای هشتاد درصد مردم می‌تواند این اپیدمی در حد یک گریپ و سرماخوردگی باشد. برای افرادی که سابقه بیماری‌های دیگر دارند و برای سالمندان سخت است. کاری که جامعه می‌تواند بکند، اینکه تلاش کند ارتباط کمتری با آنها داشته، بیشتر به آنها سرویس بدهد که مجبور به خرید یا بیرون رفتن نباشند. در هر حال باید جهان خودش را روی این تنظیم کند که امسال تا آخر سال کرونا می‌ماند. یک هیئت علمی گفته است در ژاپن به دستاوردهای خوبی رسیده‌اند، ما به تلاش ژاپنی‌ها پیوسته‌ایم. امیدواریم زودتر بتوانیم به نتایج خوبی برای درمان دست پیدا کنیم.

امکانات ما برسد. باعث می‌شود ما بیشتر آماده شویم، تست تولید کنیم و بیمارستان‌ها آمادگی پیدا کنند. کادر بیمارستان استراحت و تجدید قوا کنند. به طور مثال درست وقتی که در «ووهان» چین این همه می‌مردند، در نزدیکی «ووهان» مردم در شهرکی به نام «هوبای» کرونا گرفتند، ولی چون امکانات بیشتر و به خاطر قرنطینه، تعداد بیماران کمتر بود، نیم درصد هم تلف نشدند. پرفسور دکتر دروستن می‌گوید: ما الان مطمئنیم که این ویروس، امسال تابستان هم می‌ماند و در پائیز به اوج خودش می‌رسد. به همین خاطر می‌خواهیم سیاست قرنطینه نقطه به نقطه را ادامه بدهیم. یک جا را قرنطینه می‌کنیم. به مردم می‌رسیم. بعد از مدتی وقتی همه خوب شدند قرنطینه را برمی‌داریم، سراغ نقطه دیگری می‌رویم. ما همپای ویروس می‌رویم تا همه لایه‌های اجتماع بگیرند، خوب بشوند و از این طریق ایمنی اجتماعی در هشتاد درصد مردم حاصل بشود. اگر هفتاد درصد بگیرند و خوب بشوند یا تلفات اندک باشد، سی درصد بقیه که نگرفته‌اند، هم خفیف‌تر می‌گیرند، هم اینکه رسیدگی به آنها راحت‌تر است. ما اگر بتوانیم تا آخر سال جاری کاری کنیم که مثلاً جوان‌ها، که سیستم ایمنی قوی‌تری دارند، تابستان بگیرند و خوب بشوند، شانس بهتری داریم با برآمد جدید ویروس در پائیز بجنگیم که به طور قطع سالمندان را اذیت بیشتری می‌کند.

ایشان می‌گوید تمام حرف ما به مردم درباره رعایت اتیکت سرفه و عطسه و شستن دست‌ها و غیره ایجاد این توهم نیست که اینطوری شما کرونا نمی‌گیرید. ما می‌گویم این اقدامات را انجام دهید، تا الان نگیرید، عقب بیندازید.

دکتر دروستن می‌گوید: دو تا نکته مهم که ما بدست آوردیم این است که ویروسی که از مدفوع بیماران پیدا شده، نشان می‌دهد که ویروس‌ها مرده هستند. این نشان می‌دهد که اسید معده یا باکتری‌های درون روده توانایی کشتن آنها را داشته است. این برای ما مهم است چون تا الان چین معتقد بود ویروس از طریق مدفوع می‌تواند در کانال‌های آب شهرها رسوخ کند. نکته دیگری که ما کشف کردیم و به اطلاع مراکز و ژورنال‌های علمی هم رساندیم، این است که ویروس در مراحل اولیه در گلوی افراد بسیار فعال است. فعال‌ترین دوره زندگی ویروس کرونا در گلوی افراد است. بعد از اینکه بیمار خوب شد و از بیمارستان مرخص شد، هنوز ویروس کرونا در ریه‌های بیمار وجود دارند، منتهی سیستم ایمنی بدن آن‌ها را برای خود بیمار دفع می‌کند، این به معنای این است که بیمار دیگر نمی‌تواند ویروسی را منتقل کند. ویروس درون خلط ریه بیماری که خوب شده، ویروس مرده است. در عین حال برای امنیت جامعه توصیه می‌کنیم بیماران بعد از مرخص شدن از بیمارستان لاقلاً هنوز در خانه خود دو هفته قرنطینه شده دوران نقاهت را بگذرانند.

دکتر دروستن می‌گوید: یک واکسنی هست که مخصوص عفونت ریه در پاره‌ایی از آنفولانزاها هست. این واکسن همه



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید



نه به سیاست بحران در لباس بیماری «ویروس کرونا»!

مصاحبه با «یوناس اورتینگ»، پرستار و یکی از مسئولین حزب کمونیست کارگران دانمارک در مورد «ویروس کرونا» و سیاست حل بحران در پوشش این بیماری

«در پناه بیماری همه گیر «ویروس کرونا» دولت ناچار به مداخلات گسترده‌ای شده است. در طی چند روز، مبالغ هنگفتی به تجار و سرمایه‌داران و صاحبان صنایع داده است، مرزها را بسته و بزرگ‌ترین تجاوز به حقوق دموکراتیک را از زمان جنگ جهانی دوم انجام داده است. این بیماری همه گیر «کرونا» نیست، بلکه دولتی است که آن مسیر را دیکته می‌کند و تبعات دیگری که در راه است. مگر اینکه ما - طبقه کارگر دانمارک - به جامعه دانمارک، بگوییم مداخله سیاسی این چینی تا چند ماه آینده شرایط زندگی ما را برای سال‌های آینده تضعیف می‌کند. حال به گفتگوی ما با «یوناس اورتینگ» توجه کنید»:

پرسش: به نظر شما در حال حاضر اولویت اصلی مبارزه طبقاتی حزب کمونیست کارگران (APK) چگونه است؟

پاسخ: شرایط زندگی طبقه کارگر، شرایط زندگی مردم، حقوق و قوانین اجتماعی در پوشش بیماری همه گیر «کرونا» مورد حملات گسترده‌ای قرار گرفته است. دولت قبلاً مبالغ هنگفتی را به سرمایه‌داران اختصاص داده است، مرزهای خود را بست و بزرگترین تجاوز به حقوق دموکراتیک را از زمان جنگ جهانی دوم به اجرا گذاشت. این بیماری همه گیر کرونا

دعوی آلمان و آمریکا بر سر انحصار واکسن کرونا

روزنامه Welt am Sonntag گزارشی اخیراً مندرج کرد مبنی بر اینکه دونالد ترامپ از روند تلاش شبانه‌روزی شرکت داروسازی CureVac مستقر در ایالت تورینگن آلمان برای کشف واکسن کرونا مطلع شده است و می‌خواهد به هر ترتیب شده حق استفاده انحصاری از داروی احتمالی را به دست آورد. حتی گفته می‌شود محققان و نتایج حاصله آنها را می‌خواهد با پول فراوان به آمریکا ببرد، تا حق انحصاری استفاده واکسن کرونا را به دست آورد. دولت آلمان هم در تلاش است از این امر جلوگیری کند.

یک سخنگوی وزارت بهداشت آلمان گفته است: «ما با شرکت داروسازی CureVac در تماس نزدیک هستیم و علاقه زیادی داریم که اگر دارویی بر ضد ویروس کرونا تولید می‌شود، در آلمان و سرتاسر اروپا نیز قابل استفاده باشد».

شرکت CureVac هنوز ظاهراً در این مورد اعلام نظر نکرده است.

این حرکت آمریکا از دید بسیاری اعلان جنگ سیاسی - اقتصادی به آلمان است. از نظر یکی از مقامات دولتی آلمان، این اختلاف فراتر از اختلافی در مورد خاص است. به گفته وی، فروش یک شرکت با داروی مهم یک موضوع امنیت ملی است و به بند ۶ قانون شکنج رجوع می‌دهد. در این قانون آمده است: «کنترل مرزها باید در امر مهاجرت غیرقانونی و قاچاق انسان کمک کند و می‌بایست از هر آنچه تهدید داخلی، نظم عمومی، بهداشت عمومی و روابط بین‌الملل کشورهای عضو را به خطر اندازد، جلوگیری کند». برخی وزارتخانه‌ها، مهاجرت دانشمندان یا خارج کردن نتایج تحقیقات کنونی را در حال حاضر برهم زدن نظم عمومی ارزیابی می‌کنند. از اینرو ممنوعیت اجازه فروش شرکت و نتایج تحقیقات شرکت مذکور تحت عنوان قانون تجارت خارجی به دلیل به خطر افتادن نظم و امنیت عمومی امری بعید و غیرممکن نیست.

هرچند شرکت‌های دیگر نیز در حال تحقیق در مورد واکسن کرونا هستند. خصوصاً با افزایش روزافزون تعداد افراد آلوده به ویروس کرونا در آلمان احتمال می‌رود که فشار دولت بر شرکت CureVac مانع خروج واکسن احتمالی شود.

<https://www.welt.de/wirtschaft/article206555143/Corona-USA-will-Zugriff-auf-deutsche-Impfstoff-Firma.html>

هر زمان که جامعه سرمایه‌داری در معرض بحران است، اکثریت قریب به اتفاق مردم هزینه این بحران را پرداخت می‌کنند. در حالی که ثروتمندان ثروتمندتر می‌شوند. این آن شرایط در حال وقوع است که اگر در مقابل آن نه‌ایستیم، این تاریخ دوباره تکرار خواهد شد.

پرسش: از این گذشته، ویروس‌ها خارج از محور طبقاتی به دیدار عموم می‌روند. آیا منطقه‌ای را سراغ دارید که از شرایط خاصی برخوردار باشد؟

پاسخ: اختلاف مسافت از خانه تا محل کار، و در ویلا بزرگ یا یک آپارتمان کوچک زیستن، با وسایل حمل‌ونقل عمومی و یا اتومبیل شخصی به محل کار رفتن، طبعاً استرس و خطر ابتلا به عفونت را افزایش می‌دهد. کارگران از این لحاظ آسیب‌پذیرتر از ثروتمندان جامعه هستند.

قابل کتمان نیست که در دانمارک نابرابری سلامت و درمان وجود دارد. ثروتمندان طولانی‌تر زندگی می‌کنند و کمتر بیمار می‌شوند. برخی از گروه‌هایی که در معرض خطر کوید ۱۹ (COVID-19) قرار دارند، نظیر شهروندانی که دارای بیماری مزمن قلب و ریه هستند، از لایه‌های کارگری جامعه هستند که در شرایط نامطلوب زندگی می‌کنند. این افراد همان افرادی هستند که همیشه در معرض بیماری جدی یا مرگ ناشی از آنفولانزای قرار داشتند و این همان افرادی هستند که سال‌هاست هزینه کاهش تخت‌خواب‌های پزشکی را پرداخت کرده‌اند.

در طی ۵ سال گذشته، ۱۰ درصد از تخت‌خواب‌های پزشکی کاسته شده است، در حالی که نیاز مردم افزایش یافته است. افزایش مراجعین و از طرفی کاهش پرسنل خدماتی و پزشکی موجب افزایش استرس و مرگ و میر در بیمارستان‌ها می‌شود. در روزهای اخیر شاهد مشکلات عدیده تجهیزات و کمبود کادر پزشکی و درمانی بوده‌ایم و این نارسائی‌ها را شنیده‌ایم که چگونه باید به استراتژی حل این بحران پاسخ داد. اما همین بس که در خلال ۲۰ سال اخیر چه دولت «آبی رنگ» بورژوازی یا دولت سرخ رنگ ظاهراً چپ» تمام تلاش خود را برای کاهش شدید کادر درمانی و ظرفیت‌های خدماتی انجام دادند و در این بحران و تلفات انسانی مسئول‌اند. هر بار که جامعه مبتلا به بیماری همه‌گیر آنفلوانزا شده و اینبار به ویروس کرونا، هزینه سنگینی بر جامعه تحمیل شده است.

پرسش: آیا فکر می‌کنید اکنون امکان بازپس‌گیری و ترمیم ظرفیت‌های از دست رفته وجود دارد؟

پاسخ: چینی‌ها در آغاز در برخورد با ویروس کرونا مورد تحقیر و حمله دیگران واقع شده بودند. با تأسیس دو بیمارستان و هزاران تخت اضافی آن هم در مدت کوتاهی به نیاز مردم پاسخ دادند. من مطمئن هستم که بیمارستان‌های اینجا هم در تلاش هستند تا آنجا که ممکن است تخت‌خواب فراهم تا به

نیست که دیکته می‌کند، بلکه دولتی است که آن مسیر را دیکته کرده است.

تعداد معدودی از کارگردانان و سیاستمداران برتر در حال حاضر در حال نوشتن آینده ما هستند. اما اینها کسانی نیستند که مشکلی در این زمینه داشته باشند. این ما هستیم و باید به همراه طبقه کارگر دانمارک، به جامعه دانمارک، بگوییم، مداخله سیاسی چند ماه آینده شرایط زندگی ما را برای سال‌های آینده تضعیف خواهد کرد.

پرسش: نخست وزیر می‌گوید: «ما می‌توانیم تنها با ایستادگی در کنار هم این بحران را حل کنیم». آیا منطقی نیست که یک بحران را با هم حل کنیم؟

پاسخ: این یک روش عجیبی است که ما باید در کنار هم بایستیم. با افزایش تعداد افراد آلوده در دانمارک طی چند روز به طرز انفجاری، اولین اقدامات اصلی دولت این بود که نگاهش به بازار و مشاغل معطوف گردد. در میان اقدامات دیگر، با تأمین ۱۲۵ میلیارد دلار اعتبار مالیات و مالیات بر ارزش افزوده را جبران کند و رویدادهای کنونی را به نفع سرمایه جبران نماید. از آن زمان تاکنون اقدامات بسیاری انجام شده است که بطور مستقیم یا غیرمستقیم از بانک‌ها و مشاغل پشتیبانی می‌کند، مانند اخذ وام آسان برای صاحبان شرکتها و عدم هزینه برای کارگران هنگام بیماری

پرسش: صدها کارگر تاکنون اخراج شده‌اند و دولت هزینه شرکت‌ها را پذیرفته است و وعده حل این معضل را داده است. چرا دولت خود کنترل شرکت را در دست نمی‌گیرد؟

پاسخ: کارگران در صنایع‌ای کار می‌کنند که در شرایط کنونی بدون پرداخت حقوق به خانه اعزام می‌شوند. ممکن است این پرسش پیش بیاید که آیا رهبران اتحادیه کارگری، که برای خودشان امتیازاتی کسب کردند، در صورت مخالفت با کارفرما و اینکه کارگران باید در خانه بمانند و حقوق‌شان را دریافت کنند، خطری برای منافع رهبران اتحادیه کارگری خواهد داشت.

از این گذشته، با تشدید بحران این بیماری همه‌گیر عواقب سنگینی برای مذاکرات جمعی اتحادیه‌ها برای اضافه دستمزد خواهد داشت. چارچوبی که توسط اتحادیه کارگری و کارفرمایان وضع شده است بطور محدود و آسیب‌پذیر است. اگر ما بخواهیم شرایطی را برای پرداخت حقوق و شغل مناسب فراهم کنیم، باید با مبارزه با سیاست بحران حاکمیت، مبارزه خود را پیش‌بریم. اگر مبارزه خود را صرفاً در چهارچوب مبارزه دولت، اتحادیه‌های صنفی و کارفرمایان، محدود کنیم به حداقل دستمزدهای خود دست نخواهیم یافت. ما باید بگوییم نه برای حل و فصل بحران پیشنهادی دولت، نه برای لغو قراردادهای جمعی و ارسال قبض پرداخت بحران برای طبقه کارگر تحت لوای بحران کرونا!

بیانیه احزاب و سازمان‌های مارکسیست – لنینیست اروپا، اعضای کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست – لنینیست (CIPOML) در مورد اشاعه «ویروس کرونا» و بحران بهداشتی

ما در بحبوحه یک بحران بهداشتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار داریم. اشاعه ویروس مرگ آور (کویید ۱۹) گواهی می‌دهد که جامعه سرمایه‌داری، درمان کارگران و بینوایان که هیچ، حتی نمی‌تواند وسائل لازم کار درمان، برای پزشکان و پرستاران را فراهم کند. ناگفته نماند که نظام سلامت جمعی، به دلیل سال‌ها تقلیل بودجه، کاهش مستمر خدمات پزشکی، درمانی و امدادی، خصوصی‌سازی به سود گروه‌های ممتاز به زانو افتاده. «درمان امتیازی»، در حال فروپاشی است. عواقب سیاست سرمایه‌داری لیبرال، ریاضت اقتصادی، تبدیل سلامت جمعی، همگانی، به یک ماشین پول‌سازی، دستگاه سودآور، نمی‌توانست چیزی غیر از این باشد.

در این بحران، ما شاهد ظرفیت عظیم خلق‌ها برای همبستگی هستیم: بورژوازی طالب «انزوا» ست! فراخوان خلق‌ها همبستگی با امدادگران، تحویل وسائل لازم کار، حمایت واقعی از پزشکان و پرستاران. چون پزشکان و پرستاران برای تضمین سلامت مردم، خدمات امدادی عام، احتیاج مبرمی به منابع انسانی و اقتصادی دارند. وسائل درمان و محافظت برای همه! به این منظور، باید تمام وسائل امداد و درمان خصوصی را مصادره کرد.

حال آنکه سرمایه‌داران، انحصارات حریص، به فکر کنترل نهادهای همگانی، دست‌یافتن به منابع اجتماعی افتاده‌اند در حدی که تا به حال سابقه ندارد، فراخوان طبقه بورژوازی، دول و حکام برای نوعی وحدت ملی و تقویت روحیه شهروندی توأم با هراس و شوک روانی، در لوای اپیدمی «کویید ۱۹»، در این راستاست. ولی حیرت‌آور اینکه کارفرمایان ریز و درشت، در اکثریت قریب به اتفاق، برای تشدید استثمار و

مردم کمک رسانند... اما کافی نیست. و به پول نیاز است. اما این پول‌ها کجاست؟ ما دیدیم که چطور سیستم بهداشت و درمان در شمال ایتالیا تقریباً فرو ریخت و این سناریویی است که دولت با تمام اقدامات خود به آن اشاره می‌کند. آنها برای شرکت‌ها و بانک‌ها پول فراهم کردند، اما آنها انتظار دارند که سیستم مراقبت‌های بهداشتی و متخصصان این وظیفه را بدون کمک اضافی حل کنند. هنوز هم سیاست صرفه‌جویی به ویژه در ارتباط با سوپر بیمارستان‌های مشهور وجود دارد. در حالی که اکنون با عمل‌های عظیمی مواجه هستیم و مردم در صف قرار دارند تا معالجه شوند. این کارمندان و بیماران به کمک‌های دولتی زیادی نیازمندند تا از این بحران خارج شوند.

همچنین دیدن عواقب پاکسازی در بسیاری از نقاط در سیستم مراقبت‌های بهداشتی «هیجان‌انگیز» خواهد بود. سال‌هایی که در بیمارستان‌ها کار می‌کردم کمتر دیده شده که دستگیره درب تمیز باشد، و در شهرداری استونس که در آن کار می‌کنم، مسئولیت نظافت را روبات‌های جارو برقی به عهده گرفته‌اند. ساده‌لوحانه است هرگاه این توقع را داشت که نظافت با روبات همان کیفیت نظافت حرفه‌ای را داشته باشد. خوب است منابعی را که در فرماندهی ارتش در مرزها مستقر کرده‌ایم، به سرویس نظافت بیمارستان منتقل کنیم و حقوق و شرایط محیط ایمنی کارشان را تأمین نمایم.

پرسش: شما به پاسداران مرزی اشاره می‌کنید، مشکل آن چیست؟

پاسخ: من می‌دانم که شورای ملی بهداشت تأکید کرده است که مرزها با توصیه آنها بسته نشده است، بلکه این یک تصمیم صرفاً سیاسی است. البته در این شرایط راه حل‌های ساده‌ای در دست نیست ولی پس از موفقیت‌آمیزترین استراتژی‌ها، می‌توان به تحلیل و بررسی آن پرداخت. واقعیت این است که

۱) دانمارک یکی از کشورهایی در جهان است که بیشترین موارد COVID-19 را در مقایسه با ساکنان دارد،

۲) ما این عفونت را از خارج از کشور دریافت نکرده‌ایم، بلکه از دانمارکی‌هایی که به خانه آمده‌اند، دریافت کرده‌ایم.

کنترل مرزها روشی است برای گسترش ترس و عدم اطمینان وقتی ارتش برای دفاع از مرزهای دانمارک مستقر می‌شود، این تصور را ایجاد می‌کند که چیزی برای دفاع از مرزهای دانمارک وجود دارد. این دقیقاً به همان روشی که دولت با پناهندگان انجام می‌دهد، ظاهراً ترس را از بین می‌برد، گویا کارهای بزرگی انجام داده‌اند، لیکن پوچی این تئاتر بعد از مدتی آشکار می‌شود.

برگرفته از تارنمای حزب کمونیست کارگران دانمارک

۱۶ مارس ۲۰۲۰

با کلی تناقضات آشکار و نهان: تضاد میان طبقه کارگر و طبقه بورژوازی، تضاد میان امپریالیسم و خلق‌ها و ملت‌های در بند، تضاد میان قدرت‌های امپریالیستی و انحصارات، برای تسلط و برتری در جهان. نظام محض و مسلط چیزی غیر از استثمار بیشتر و بی‌حقوقی اجتماعی، غارت بیشتر خلق‌ها، ویرانی و تخریب... برای عرضه ندارد. حال آنکه میلیون‌ها نفر از نتایج اپیدمی رنج می‌برند، اولیگارش‌های مالی جنایتکار دست از سوداگری اضطراری برنمی‌دارد.

لزوم مبارزه انقلابی برای یک جامعه سوسیالیستی.

ما، احزاب و سازمان‌های انقلابی پرولتاریا، کارگران، مبارزان سندیکاها، جوانان، زنان و توده‌ها را برای یک سازماندهی مستقل... حضور در ساختمان یک جبهه متحد از کارگران، جبهه توده‌ای، فرا می‌خوانیم. ما برای یک آینده بهتر مبارزه می‌کنیم.

۱. سازمان، برای ایجاد یک حزب کمونیست کارگران آلمان
 ۲. حزب کمونیست کارگران دانمارک - APK
 ۳. حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست - لنینیست) - PCE (M-L)
 ۴. حزب کمونیست کارگران فرانسه - PCOF
 ۵. سازمان برای احیای حزب کمونیست یونان (۱۹۵۵ - ۱۹۱۸)
 ۶. لاتفرم کمونیست (مارکسیست - لنینیست) - KPML
 ۷. پلاتفرم کمونیست برای ایجاد حزب کمونیست پرولتاریای ایتالیا
- ۱۹/مارس/۲۰۲۰
ترجمه و تکثیر از حزب کار ایران (توفان) •

برای تحمیل عقب‌گردی تازه در شرایط کار و زندگی طبقه کارگر هیچ مشکلی ندارند. در چنین شرایطی، رهبران بلندپایه سندیکاها اصلاح‌طلب، انگار نه انگار، باز سنگ هم‌دستی و سازش با همین سرمایه‌داران حریص را به سینه می‌زنند، آزادی عمل حضرات را تأیید می‌کنند. گو اینکه دول سرمایه‌داری، نه فقط به فکر جنگ با این دشمن نامرئی نیستند، بلکه برعکس، حتی جنگ طبقاتی خود را تشدید کرده‌اند، ولی از کارگران، دانشجویان و خلق‌ها، از مردم می‌خواهند که مبارزه طبقاتی را تعطیل کنند، برای تحصیل حقوق قانونی خود نجنگند، گرچه بیکاری سیر صعودی دارد، مزدی در کار نیست و نیازهای اجتماعی هم، بیش از پیش، افزایش یافته است.

پس چه زمانی و در چه شرایطی باید برای حق و آزادی، مطالبات فوری و معیشتی، برای عدالت اجتماعی رزمید، یا سلامت و امنیت همگانی را تأمین کرد. بیکاری را از میان برد، پرداخت مزد، حمایت اجتماعی و درآمد مکفی برای همه را تضمین نمود. این دولت‌ها هستند که می‌بایست بودجه کافی برای نیازهای بهداشتی و اقتصادی جامعه داشته باشند. در بسیاری از کشورها، شرایط اضطراری اعلام کرده‌اند، با این کار حقوق دمکراتیک به حاشیه رفته و به پلیس و ارتش قدرت نامحدود بخشیده است تا امنیت دول امپریالیستی و منافع طبقه حاکم، نه امنیت و منافع مردم، را تضمین کنند. بورژوازی گسترش ویروس (کوید ۱۹) را به کار می‌برد، تا آزادی کارگران را محدود نماید، جلوی انتقادات را بگیرد و شونیسم و فاشیسم را اشاعه دهد. حتی شرایط جاری و اضطراری را به زخ می‌کشد تا اتحادیه اروپا، بانک مرکزی و کمیسیون اروپائی را متمرکزتر کند و قدرت این نهادها را افزایش دهد. تنها کارشان این است که با تزریق نقدینه‌های کلان (یورو) منافع انحصارات خودی را تأمین کنند و موقعیت اتحادیه اروپا در بحران اقتصادی را تقویت نمایند.

فراموش نکنیم که چطور بانک‌ها و انحصارات در گذشته به نام منافع «خلق‌ها»! کلی پول بلعیدند، چطور این نهادهای کلفت در گذشته‌های دور و نزدیک، منافع خود را به قیمت نظام سلامت اجتماعی تأمین کرده‌اند. وقت آن است که حق و آزادی کارگران در دستور کار قرار گیرد: سرمایه نباید به بودجه ملی دسترسی پیدا کند و استثمار طبقه کارگر جیب پُر سهامداران را پُرتر سازد.

ما خواهان لغو شرایط اضطراری، فراخواندن سربازان از خیابان‌ها و تمام نیروهای حاضر جنگ‌های امپریالیستی هستیم. اشاعه ویروس (کوید ۱۹) خطری بزرگ برای تمام خلق‌های جهان است، خاصه در کشورهایی که نظام سلامتی ضعیف دارند، ناشی از غارت ثروت‌شان توسط دول امپریالیستی و انحصارات به یاری دول فاسد.

ناگفته نماند طبقه کارگر و توده‌ها در دوران پیچیده و خطرناکی به‌سرمی‌برند، با بحرانی عمیق، همه‌جانبه و ساختاری

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید

داعش می‌گیرد. حس «وطن دوستی» این «هنرمندان» غیرمتعهد ما جریحه‌دار نمی‌شود، وقتی کشور میزبان به جدایی خوزستان از ایران می‌اندیشد و از تجزیه‌طلبان حمایت مالی می‌کند.

این پول چیست که «هنرمندان» غیرمتعهد ما حاضرند انسانیت را در مسلخ آن ذبح کنند.

در همین رابطه به گزارش Middle East Eye درباره کنسرت خوانندگان لس آنجلسی در عربستان توجه فرمائید:

«محمدبن سلمان» همراه با سرکوب مخالفان و رقبا و هدایت جنگ با یمن، به دنبال آن است تا عربستان را به عنوان یک مقصد گردشگری و تفریحی ارتقا دهد. برخی از ایرانیان همچنین از خود می‌پرسند که آیا این کنسرت دو روزه، آغاز برنامه گسترده‌تری برای پادشاهی است که در سال‌های اخیر رسانه‌های تازه ایرانی را تأسیس کرده است تا اعتبار خود را در بین ایرانیان دوباره زنده کند؟

- تلویزیون العربیه عربستان گزارش داد که از خوانندگان تبعید شده به عنوان بخشی از «تمرکز پادشاهی بر شناخت العلاء به عنوان مهد تمدن‌ها و فرهنگ‌های متنوع» دعوت شده است.

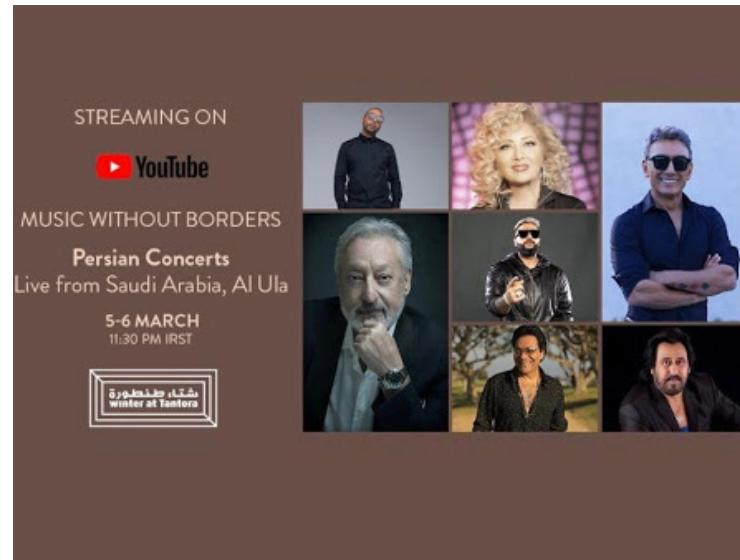
- کانال ماهواره‌ای MBC Persia با بودجه عربستان سعودی، امسال یک نمایش استعدادیابی را برای جذب بیشتر بینندگان ایرانی و به دست آوردن نفوذ بر جمعیت ایران، راه اندازی کرد. همچنین «ابی» و «آرش» از خوانندگان کنسرت العلاء و «مهناز افشار» بازیگر مشهور ایرانی در این برنامه حضور دارند.

- به گفته منبعی که با «گاردین» صحبت کرده، «محمد بن سلمان» نیز از سال ۲۰۱۷ به پشتیبانی مالی از تلویزیون ایران اینترنشنال، که یک پایگاه خبری مستقر در لندن و سکویی برای مخالفان جمهوری اسلامی تبدیل شده، می‌پردازد.

- «ایران اینترنشنال» پوشش گسترده‌ای از اجراهای خوانندگان در «کنسرت العلاء» را ارائه داد و «پانته آ مدیری» را برای پوشش جشنواره به عربستان فرستاد.

- مدیری همچنین بارها و بارها با رضا پهلوی، پسر شاه سابق ایران، محمد رضا پهلوی مصاحبه کرده است.

- برخی از چهره‌های مخالف ایران گفته‌اند که کنسرت در «العلاء» کار مخالفان مرتبط با پهلوی بوده است.



در مذمت عجایب هفتگانه لوس آنجلس

شنیدیم که ۷ خواننده لوس آنجلسی کنسرتی برگزار کردند، آنهم در کشور عربستان سعودی. انگیزه اجرای کنسرت از سوی این «هنرمندان» غیرمتعهد بدون تردید دریافت پول هنگفتی بود که هر یک از آنها از «بن سلمان» دریافت کردند.

اما عربستان سعودی چه هدفی را دنبال می‌کند؟

عربستان در دشمنی و رقابت بر سر تسلط بر منطقه دست در دست اسرائیل و آمریکا منطقه را به آشوب کشانیده است. و از هر کس و هر چیز در جهت منافع خود استفاده می‌کند. در عرصه تبلیغات و فرهنگی از تأسیس تلویزیون ایران اینترنشنال گرفته تا دعوت از «هنرمندان» غیرمتعهد شاه‌پرست دموکرات‌نما، تا در عرصه نظامی از داعش و القاعده و صدها گروه سلفی.

اما آنچه که مربوط به عجایب هفتگانه لوس آنجلس می‌شود باید گفت که «هنرمندان غیرمتعهد» ما درباره «آزادی» مردم ایران بارها گلو پاره کردند، از عقب‌ماندگی حاکمین ایران سخن‌ها گفته‌اند، از جنایات رژیم ایران از جنگ و نابودی و ویرانی ملت‌ها و کشورها گاه ترانه ساختند. این «هنرمندان» غیرمتعهد در کنسرتی شرکت می‌کنند، آن هم در کشوری که هیأت حاکمه آن به مراتب عقب‌افتاده‌تر از روحانیت ایران است، در کشوری که قانون اساسی نمی‌شناسد، در کشوری که هر روز بر سر کودکان یمن بمب می‌اندازد، سر یک روزنامه نگار منتقد را با تبر قطع می‌کند، داعش را به جان مردم منطقه می‌اندازد تا آن جنایات را مرتکب شود.

آری «هنرمندان» غیرمتعهد ما از همان دستی پول می‌گیرند که

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران



گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش

پرسش: سازمان مجاهدین خلق ایران از ابتدای انقلاب بهمن درست به صورت موازی با افراطی‌ترین جناح حاکم بود، خطرناک‌ترین جریان در فرایند دموکراسی در کشور بود. این جریان از همان اوان انقلاب وابسته به بیگانه بود و ارتباط سعادت با سفارت روس و دریافت کمک مالی و جاسوسی برای این کشور معرف الگوی کثیفی از خیانت ملی بود. چرا حزب شما از مجاهدین حمایت کرد؟

پاسخ: دوست عزیز، نگاه شما به سازمان مجاهدین غیرمنصفانه و نادرست است. مجاهدین به عنوان یک جریان خرده‌بورژوازی و دارای سنت مبارزه چریکی مانند بسیاری از جریانات سیاسی آن دوره به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی توهیم داشت و تلاشش این بود با نفوذ در حاکمیت و تقویت جناح و عناصر متمایل به خود در قدرت سهیم شود. دفاع این سازمان از «آیت الله طالقانی» از این امر حکایت دارد. در ادامه تشدید مبارزه طبقاتی و شکاف حکومتی مجاهدین مانند تعدادی دیگر از جریانات سیاسی چپ و مترقی و دمکرات از جمله حزب ما نوک تیز حمله را به سوی سیاه‌ترین و ارتجاعی‌ترین جناح حاکمیت تحت رهبری حزب جمهوری اسلامی که از حمایت قاطع «آیت‌الله خمینی» برخوردار بود، نشانه گرفتند و در مقابل استبداد در کنار مردم از دست‌آورد های انقلاب دفاع کردند. نیروهایی که از قطب ارتجاع سیاه «خط امام خمینی» دفاع کردند و هر قطره از آزادی را تحت نام لیبرالیسم آمریکایی و در راه تحقق دکترین «راه رشد غیر سرمایه‌داری» و «اردوگاه سوسیالیسم واقعا موجود» قربانی کردند. حزب رویزیونیست توده ایران و سازمان چریک‌های فدایی خلق (اکثریت) بود که سرانجام خود قربانی این بینش و منش ضد کمونیستی شدند. در اینجا نیازی به پرداختن به همه جوانب سازمان‌های سیاسی و برخوردارشان به جناح‌های متخاصم در حاکمیت نیست، در فرصت دیگری می‌توان به آن پرداخت.

اینکه بعد از سی‌و‌سه خرداد ۶۰، و درهم شکستن انقلاب، تاکتیک‌های انحرافی مسلحانه مجاهدین و سرانجام خیانت و هم‌دستی این جریان با امپریالیسم و ارتجاع منطقه و سیاست‌های نفرت‌انگیز امروزی‌اش

باید مورد توجه و نقد جدی قرار گیرد و محکوم گردد، درست است، لیکن یکسان جلوه‌دادن دو دوره متفاوت تاریخی و قلب حقایق در این مورد شایسته هیچ محقق مسئول و فعال سیاسی مترقی و انقلابی نیست و کمکی به حال و روز اپوزیسیون مردمی نمی‌کند. از جاسوس بودن سازمان مجاهدین سخن گفتید. در این مورد باید دو مسئله را از هم تمیز داد، یکی ماهیت یک جریان خرده‌بورژوازی و متوهم و التقاطی در پوشش اسلامی، به نام سازمان مجاهدین خلق، که به‌رغم این ماهیت و توهیم به شوروی رویزیونیستی به عنوان «اردوگاه سوسیالیستی و ضدامپریالیستی» اما یک سازمان سیاسی دمکرات و «ضدامپریالیستی» محسوب می‌شد و عمل می‌کرد که مبارزه این جریان در کلیت‌اش علیه رژیم وابسته شاه و در دوره‌ای پس از انقلاب بهمن مترقی و انقلابی و در خدمت منافع مردم ایران بود. دو دیگر اینکه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین م ل «از یمن تحت سلطه شوروی کمک مالی دریافت می‌کردند. سازمان مجاهدین م ل که بعدها تحت نام پیکار فعالیت خود را ادامه داد، دریافت کمک مالی از شوروی را به‌رغم سوسیالیسم امپریالیستی ارزیابی کردن شوروی «با حفظ استقلال» مجاز اعلام کرد! رجوع کنید به فایل‌های صوتی «حمید اشرف» و «تقی شهرام!» در تارنمای زنده یاد «تراب حق شناس!» سازمان چریک‌های فدایی خلق که جبهه ملی در خارج - بخش خاورمیانه پرچم دفاع از آنرا برافراشته بود، از شوروی و یمن و عراق کمک مالی دریافت می‌کردند! رجوع کنید به «کتاب کنفرانس ملی و ماهیت موسس آن» از انتشارات توفان آذر ۱۳۷۴. اما به‌رغم این سیاست انحرافی و ناصواب، ماهیت سیاسی این دو سازمان انقلابی بود، هیچکدام از آنها جاسوس و کارگزار امپریالیسم و یا کشور خارجی نبودند. سازمان چریک‌ها پس از انشعاب و پیوستن بخش بزرگ آن یعنی اکثریت به حزب توده و پذیرش تمام ترهای رویزیونیستی تغییر ماهیت داد به یک سازمان ضدملی و ضدانقلابی بدل شد. این حکم در مورد سازمان مجاهدین خلق هم در شکل دیگری صدق می‌کند و آن اینکه با اعتقاد به ماهیت «سوسیالیستی شوروی» حتی بعد از انقلاب تلاش داشت از این کشور کمک مالی دریافت کند و از حمایت سیاسی آن برخوردار گردد! اما این هنوز به معنی تبدیل این انحراف به یک پدیده کامل نیست و نمی‌تواند ملاک قضاوت ما قبل از وقوع شکل‌گیری این پدیده ضدانقلابی باشد. سازمان مجاهدین جاسوس و کارگزار سوسیالیسم شوروی نبود. سازمان مجاهدین با همه این تناقضات که مبین ماهیت خرده‌بورژوازی او بود، در دوره‌ای پس از انقلاب در مقابل ارتجاع ایستاد و با جریانات انقلابی همکاری می‌کرد. مجاهدین پس از شکست انقلاب، که نقطه عطف آن ۳۰ خرداد بود، در پروسه‌ای از مبارزه سیاسی تغییر ماهیت داد، نوکری امپریالیسم غرب را برای کسب قدرت سیاسی پذیرفت. این جریان سال‌هاست به یک جریان وابسته و ضدملی و ارتجاعی بدل شده است. تحول هر پدیده‌ای به ضد ماهیت اولیه‌اش یک پروسه سیاسی است که پس از غالب شدن خط ارتجاعی بر آن، تغییر کمی به یک تغییر کیفی ماهیت آن پدیده را تعریف می‌کند. با شما موافقم که ماهیت یک جریان سیاسی را نباید براساس پایگاه توده‌ای یا صداقت و نیت خیر افراد مورد قضاوت قرار داد، بلکه خط و مشی غالب و عمل آن! پیروز باشید.

درون جامعه ایران همگام و با مبارزات مردم رشد و نمو کند، گام به گام اعتماد آنها را به خود جلب کند. این متضمن این است که جامعه ما باید در موقعیتی باشد که بتواند نفس بکشد، خود را درگیر جدال با دشمن خارجی نیز نکند. تحریم، امنیت و معیشت مردم را به خطر نیندازد، تا گروه های اجتماعی با استمرار اعتراضات خود سازمان و سامان بگیرند.

پیمودن این مسیر، مردم ایران را یک گام به جلو، به همان جهتی سوق خواهد داد که شما در انتهای تصریحات تان به آن اشاره فرمودید. بنابر این وظیفه هر ایرانی است که با سیاست تحریم و تهدید به مخالفت برخیزد و کوشش کند تا جبهه دومی به روی مردم باز نشود. اما شما بر آن هستید که این آمریکا نیست که عامل اصلی ایجاد تحریم است، بلکه رژیم ایران را مسئول مشمول این تحریمات می دانید.

در اینکه رژیم ایران یک نظام دیکتاتوری است، بحثی نیست؛ در اینکه سران این دستگاه دزد و چپاولگر هستند، جای تردید نیست؛ در اینکه رژیم ایران به معیشت و اوضاع اقتصادی مردم بی توجه هست، بر همه کس روشن است. اما این دیکتاتوری و سرکوب مردم کوچه و خیابان نیست که باعث شده است تا کشور ما از سوی امریکا مورد تهدید قرار گیرد و علیه مردم ما تحریمات سنگینی اعمال کند. ما باید این پرسش را طرح کنیم که امریکا از اعمال فشار حداکثری به دنبال چه چیزی است؟ منافع استراتژیک امریکا ایجاب می کند که علیه آن کشوری که حق دخالت در امور داخلی خودش را به امریکا نمی دهد، چنین سیاستی را در قبال او پیش به گیرد، از همه امکانات سیاسی، اقتصادی خود استفاده کند، تا آن کشور را به زانو در آورد. شما شاهد هستید که چه بر سر افغانستان، عراق، لیبی و سوریه رفت. شاید شما بگوئید که این کشورها آزادی مردم خودشان را سلب می کردند و به آنها اعمال زور می کردند. این می تواند درست باشد، ولی اعمال زور علیه مردم خودی نیز باز یک مسأله داخلی است و نمی تواند به امریکا و یا به یک کشور بیگانه دیگر مجوز صدور حمله نظامی به دست دهد. برای فهم سیاست های امریکا، روسیه و یا چین باید به ماهیت آنها توجه کنیم. دیدمان را متوجه این بسازیم که این قدرت های جهانی به عبارتی کشورهای امپریالیستی برای حفظ منافع استراتژیک خود با هم در رقابت و جدال هستند. مسأله اصلی در سیاست چیزی نیست جز «قدرت» و کسب هژمونی بر رقیب. هر دولتی در جهان به دنبال منافع خود است. رژیم ایران از این قاعده مستثنی نیست. او باید تشخیص دهد که برای حفظ منافع خویش به کدام کشورها می تواند نزدیک شود و روابط سیاسی، اقتصادی خود را بسط و گسترش دهد. همینکه رژیم ایران - درست یا نادرست - تشخیص داده است که نزدیکی به روسیه و چین می تواند او را در برابر تمامیت خواهی و دخالت گری های امریکا مصون نگاه دارد، دلیلی بر این مدعاست که استقلال رأی دارد و این استقلال رأی در حقیقت همان «استقلال



باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

پاسخ به یک پرسش در شبکه

تلگرام

پرسش: آیا فکر نمی کنید این رژیم ایران است که مردم را در تحریم قرار داده و نه آمریکا! آیا فکر نمی کنید تا وقتی روسیه و چین از این رژیم حمایت می کنند، مشکل مردم به این زودی ها برطرف نخواهد شد؟ اینها اخیراً قسمت زیادی از دریای خزر را به روس ها دادند و حق ماهی گیری در خلیج فارس را به چینی ها. اینها تماماً فجایعی بوده که این رژیم بر سر کشور ما آورده است. من فقط طرفدار مردم ایران هستم و از اینکه این شرایط سخت به مردم تحمیل شده ناراحتم.

پاسخ: شما به چند مسأله اشاره کردید که هر کدام از آنها موضوع یک بحث جداگانه است که متأسفانه نمی شود به همه آنها پاسخ داد. آنچه مربوط به سهم ایران از دریای خزر میشود ما با این نظر شما موافق نیستیم. ما در این زمینه یک سلسله مقالات تحلیلی انتشار دادیم که شما را به مطالعه آن ارجاع می دهیم.

اجازه بفرمائید تا از جمله آخر شما حرکت کنیم. شما می فرمائید که «ایران توسط ایرانی، آزاد و آباد خواهد شد» در این خواست و نیت شما یک مسأله پُر اهمیت نهفته است که باید آنرا بیرون کشید و برجسته نمود و آن این است که سرنوشت ایران باید به دست مردم ایران تعیین شود و نه توسط قدرت های خارجی، حال می خواهد این قدرت امریکا باشد یا روسیه و یا چین! این آن چیزی است که باید بر آن تأکید کرد و سیاست خودمان را بر آن استوار کنیم. وقتی ما از تعیین سرنوشت صحبت می کنیم، به این معنی است که امر سرنگونی وظیفه مردم ایران است. این می رساند که اگر قرار است امر سرنگونی یک مسأله داخلی باشد، صحیح این است که باید به آن به مثابه یک وظیفه ملی نگریست. آن نیروئی که قرار است به این وظیفه عمل کند، باید در درجه نخست سیاست اش متکی به مردم باشد و نه به یک قدرت خارجی. این نیرو باید در

سیاسی» است که مردم ما باید در مبارزات خود برای تعیین سرنوشت‌شان از آن همانند مردمک چشم خود حفاظت کنند. اما مردم باید هشیار باشند تا منافع ملی ما در اثر این نزدیکی‌ها و جناح‌بندی‌ها به خطر نیفتند. چرا که روسیه و چین هم برای حفظ منافع خود در برابر امریکا از کشورهای نافرمان، همانند ایران، سوریه، ونزوئلا و کوبا و غیره.. استفاده می‌کنند و سود می‌برند. اما زبانی که تاکنون مردم ما از امریکا دیده‌اند در قبال مجوز ماهی‌گیری به چین و یا به زعم شما بخشیدن سهم ایران از دریای خزر به روسیه، که حقیقت ندارد، بسیار بزرگ‌تر و فاجعه‌آورتر است.

نکته پایانی اینکه شما بر این باورید که «تا وقتی روسیه و چین از این رژیم حمایت می‌کنند، مشکل مردم به این زودی‌ها بر طرف نخواهد شد». دوست عزیز اینکه رژیم ایران بر سر قدرت مانده است، نه به دلیل حمایت‌های روسیه و چین از ایران، بلکه به دلیل فقدان سازمان و رهبری است که مبارزات مردم ایران نتوانسته در یک مسیر مشخص قرار گیرد و بین اقشار مختلف جامعه هماهنگی بوجود آید، تا اینکه مطالبات و خواست‌های آنها به هیأت حاکمه تحمیل شود و در نتیجه بدیلی بوجود بیاید و مردم به آن اعتماد داشته باشند و سرنوشت‌شان را به دست آن بسپارند. مطمئن باشید چنانچه چنین نیروئی در عرصه مبارزات داخل کشور بوجود آید، حمایت‌های روسیه و چین کاری از پیش نخواهند بُرد.

موفق و پیروز باشید

اطلاعیه درباره مسدودشدن

صفحه فیسبوک حزب کار ایران (توفان)

به اطلاع همه دوستان و رفقا می‌رسانیم که مدیریت فیسبوک در خلال یکماه اخیر سه بار صفحه فیسبوک حزب کار ایران (توفان) را تحت نام Toufan Hezbekar که با پروفایل کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیستی - لنینیستی با ۵۰۰۰ عضو فعالیت می‌کرد، تحت عنوان «بررسی و تحقیق» (بخوانید تفتیش!) مسدود کرده است و به‌رغم پاسخ‌های روشن به پرسش‌هایشان، تاکنون جوابی دریافت نکرده‌ایم.

کنترل پلیسی، تفتیش عقیده، مخالفت با تبلیغات ضدصهیونیستی و ضدسرمایه‌داری و ضدامپریالیستی و دفاع از مارکسیسم - لنینیسم از جمله نکاتی است که به مذاق مدیریت فیسبوک خوش نمی‌آید و با مسدود کردن این صفحه، که صدای رسا و شفاف کمونیست‌های ایران است، تلاشی است بس مذبح‌خانه جهت به تعطیلی کشاندن صفحه فیسبوک حزب ما. این هم از نعمات «آزادی‌های بی قید و شرط» فیسبوک، که ساطور سانسورش را بر فرق آزادی بیان و عقیده فرود می‌آورد.

به این عنان گسیختگی دست‌اندرکاران فیسبوک باید اعتراض کرد و اقدامات ضددمکراتیک و پلیسی او را محکوم نمود!

حزب کار ایران (توفان)
سوم مارس ۲۰۲۰

تجاوزگران استعمارگر باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند!





www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

POSTBANK

bank code 20110022

bank account No.: 25773372600

IBAN: DE70201100222573372600

P.O. BOX 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346